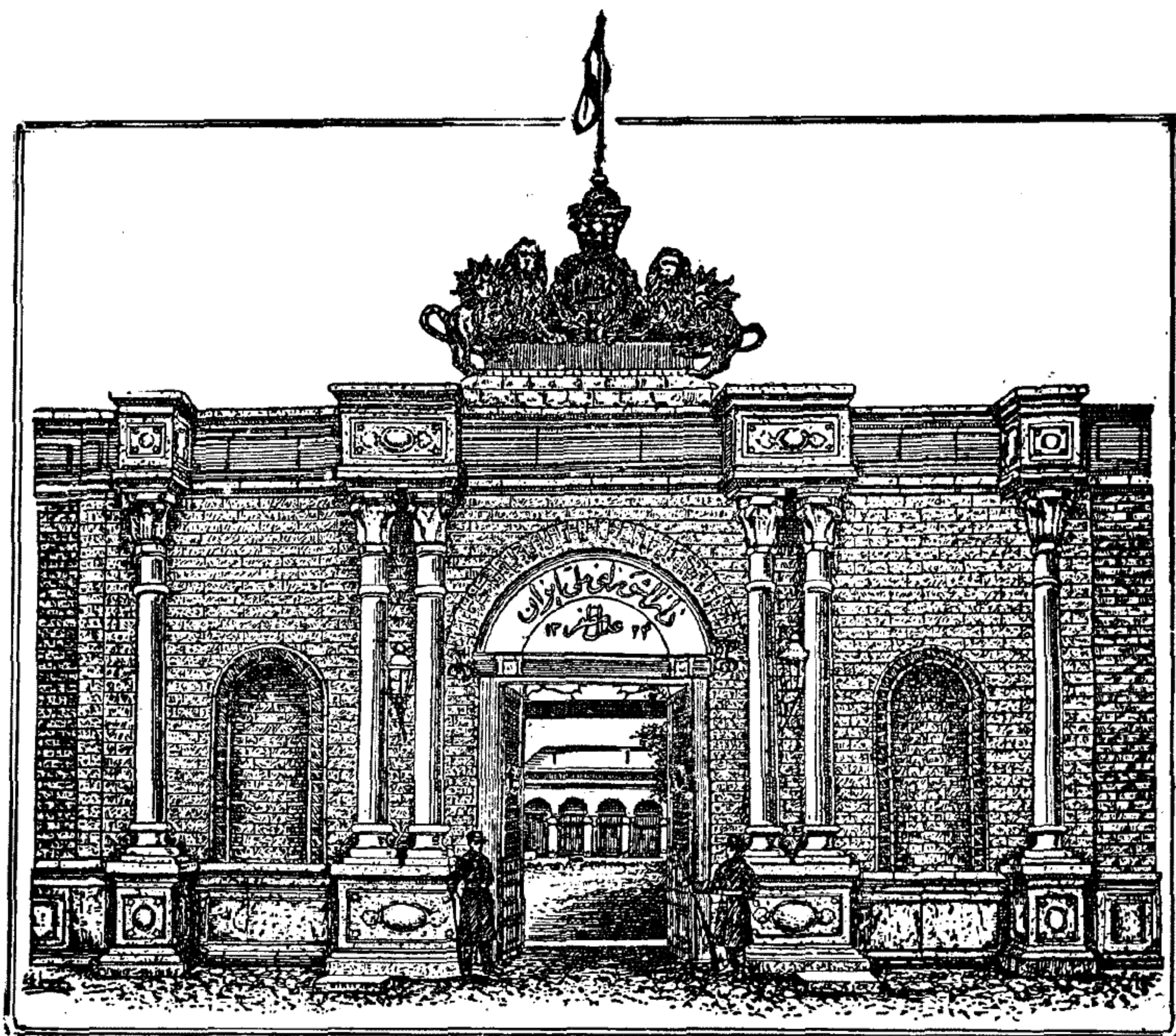




# مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۰۵ مطابق ۸ جمادی الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۲۹

تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه هفدهم آبان ماه قرائت و تصویب شد.

غائبین با اجازه - آقایان: علی خان اعظمی، آقاسید حسن

صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۲ آبان ۱۳۰۵ مطابق ۸

جمادی الاولی ۱۳۴۵.

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین

مدرس، طباطبائی دیا.

غائبین بی اجازه — آقایان: محمد ولی خان اسدی، میرزا ابراهیم خان قوام، محمد هاشم میرزا افسر، میرزا حسن آقا آقازاده سبزواری، غلامحسین میرزا مسعود، دکتر محمدخان مصدق، والی زاده جوانشیر.

دیرآمدگان با اجازه — آقایان: مرتضی قلی خان بیات، میرزا محمد تقی بهار.

دیرآمدگان بی اجازه — آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی، داور، اسکندری.

آقای میرزا عبدالله خان وثوق در تعقیب اظهارات جلسه قبل خود و در اثر مندرجات یکی از جرائد محلی اظهار نمودند برطبق تحقیقاتی که بعمل آمده است قرارداد بانک و وزارت مالیه را موقوف میرزا سید محمدخان نصر امضاء نموده و به علاوه قرارداد مزبور به کابینه فعلی مربوط نبوده و در کابینه آقای فروغی منعقد شده بوده است.

آقای شیروانی راجع بسوء جریان انتخابات بعضی نقاط ولزوم توجه دولت باختتام این امر برطبق قوانین مرسومه و آقای دادگر راجع بشروع گاوگیری در سازندگان و لزوم جلوگیری عاجل از طرف دولت شرحی تقریر و آقای وزیر معارف یک فقره لایحه راجع به بودجه مدارس شبانه اکابر و مدرسه مهندسی و مدارس حرفه و مخارج تعمیرات واثاثیه مدارس ولایات و غیره تقدیم و به کمیسیون بودجه ارجاع گردید.

خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای مفتی از سفر و بانه قرائت و در آن خصوص اخذ رأی شده تصویب و بطوریکه قبلاً در دستور معین شده بود اجراء مراسم تحلیف شروع و آقایان مفصله الاسامی ذیل در حضور کلام الله مجید قسمنامه را قرائت و امضاء نمودند: آقایان: حاج میرزا حبیب الله اسین — شریعت زاده — اساسی — ثقة الاسلامی — جهان شاه — لیکرانی — بنی سلیمان — اسکندری — محمد ولی میرزا — فروشی — عدل — میرزا ابراهیم آشتیانی — دکتر لقمان — ملک آرائی — سلطان محمدخان عاسری — مفتی — دکتر رفیع خان.

خبر کمیسیون بودجه راجع به استخدام یک نفر منشی تندنویس و یازده نفر مهندس نقشه کش برای معاونت متخصص راه آهن مطرح و آقای رئیس تصویب کمیسیون فوائد عامه را نسبت بلزوم استخدام و تصویب کمیسیون اسوارخانه را نسبت به سلبت مستخدمین مزبور به مجلس اعلام و در ضمن شور کلی آقای فیروز میرزا نظر به مخالفت با مفاد ماده دوم قانون بیستم بهمن ماه هزار و سیصد و چهار و اینکه تهیه مواد اولیه لازم ایجاد راه آهن را در ایران غیر عملی میدانستند شرحی مشعر به مخالفت را پورت کمیسیون تقریر و آقای فیضی به علاوه اظهار مینمودند بهترین است در استخدام این عده چند روزی تأمل شود تا متخصص راه آهن به طهران وارد شده و پس از مطالعه به استخدام متخصصین اقدام شود.

آقایان: شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) و یاسائی اظهار مینمودند استخدام این عده بر حسب تقاضای متخصص راه آهن در نظر

گرفته شده به علاوه استخدام این اشخاص برای تهیه نقشه مقدماتی راه آهن بوده و مربوط به تهیه مواد اولیه نیست و در آن خصوص ممکن است در آتیته مذاکره و تصمیمی که لازم است اتخاذ شود. پیشنهادی از طرف آقایان: میرزا عبدالله خان وثوق — فیهمی عدل و حیدری مشعر به خروج خبر کمیسیون از دستور قرائت و در آن خصوص رأی گرفته رد و ورود در شور مباد تصویب گردید.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و ماده اول خبر فوق الذکر قرائت و آقای محمدولی میرزا نیز عقیده شان این بود فعلاً استخدام منشی تندنویس اجازه داده شده و پس از ورود متخصص راه آهن و ملاحظه وضعیات جغرافیائی ایران به قدر لزوم به استخدام مهندسین اقدام شود. آقای مخبر اظهار می نمودند به اینکه استخدام این عده از طرف خود متخصص تقاضا شده اجراء این عقیده جز چند ماه تأخیر در مریض ایجاد راه آهن نتیجه دیگری ندارد.

آقای فیروزآبادی پیشنهاد نمودند فعلاً چهار نفر مهندس و یک نفر تندنویس و آقای احتشام زاده پیشنهاد نمودند پنج نفر مهندس آسریکائی و بقیه از ایرانی های مطلع استخدام شوند و پس از قدری مذاکره آقای فیروزآبادی پیشنهاد خود را مسترد و نسبت به پیشنهاد آقای احتشام زاده رأی گرفته قابل توجه نشد.

دو فقره اصلاح از طرف آقایان فیهمی و دادگر راجع به حق تقدم برای مهندسین ایرانی و استخدام مهندسین آسریکائی فقط در موردی که بین ایرانی ها یافت نشود قرائت و نسبت به هر یک جداگانه رأی گرفته هیچیک قابل توجه نشد.

آقای نجومی پیشنهاد نمودند در عوض توصیه متخصص تقاضای متخصص و آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد نمودند بجای کلمه ساختمان (ساخن) نوشته شود و هر دو فقره از طرف آقای مخبر قبول و آقای محمد ولی میرزا اصلاحی پیشنهاد و بعد مسترد نموده و بر حسب تقاضای آقای یاسائی ماده اول و تبصره تجزیه شده بدو نسبت به ماده یا دو فقره اصلاح عبارتی فوق الذکر و تبدیل کلمه خود به او و بعد نسبت به تبصره و مجدداً نسبت به مجموع ماده و تبصره جداگانه اخذ رأی شده تصویب شد.

در ماده دوم آقایان: اسیر تیمور و فیهمی پیشنهاد نمودند در آخر ماده اضافه شود که مبلغ مزبور از محل اعتبار دویست و پنجاه هزار تومان قانون بیستم بهمن ماه ۱۳۰۴ تأدیه خواهد شد.

آقای مخبر این اصلاح را قبول نموده و نسبت به ماده دوم نیز رأی گرفته تصویب گردید.

در ماده سوم آقای ملک مدنی و آقا سید یعقوب مواد قانون مصوب ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۴ را غیر کائی دانسته و عقیده شان این بود شرایط استخدام مهندسین در همین قانون معین شود و آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد نمودند ماده سوم به کمیسیون ارجاع و موادی که لازم است پیش بینی شود و نسبت به پیشنهاد ایشان رأی گرفته رد و ماده سوم تصویب گردید.

در ماده چهارم آقای شریعت زاده پیشنهاد نمودند ماده

مزبور به این ترتیب نوشته شود:

وزارتین فوائد عامه و مالیه هر یک در حدود وظائف مربوطه به خرد مأمور اجراء این قانون خواهند بود.

آقای مخبر این پیشنهاد را قبول و آقای ضیاء ساده چهارم خبر کمیسیون را به عنوان اصلاح پیشنهاد نموده و در آن خصوص اخذ رأی شده قابل توجه و به کمیسیون ارجاع گردید.

آقای وزیر مالیه چند فقره لایحه قانونی راجع به تأسیس بانک فلاحی و توسعه اسوارخانه و غیره تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

آقای رئیس الوزراء در جواب آقای معتمد راجع به قضیه آقای مدرس اظهار نمودند متأسفانه تا روز گذشته نتیجه بدست نیامده

و راجع باقدمات دیروز تا بحال بعد تحقیقات بعمل آمده باطلاع آقایان نمایندگان خواهد رسید.

جلسه آتیته بروز سه شنبه ۲۴ آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن بقیه دستور همین جلسه مقرر و مجلس یک ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد.

نسبت بصورت مجلس مخالفی نبود و تصویب گردید.

سه شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین (منشی — سید ابراهیم — ضیاء)

(منشی — میرزا حسین خان موقر)

### صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و دوم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق هشتم جمادی الاولی ۱۳۴۵

تجزیه میشود. یک قسمتش مربوط بسود بنده بود و برای اینکه وقت مجلس را اشغال نکنم راجع بان قسمت عرضی نخواهم کرد ولی راجع بان قسمتی که در خصوص مرحوم نصر نوشته بود برای اینکه دفاعی از آن مرحوم شده باشد عرض میکنم: توضیحاتی که بنده در جلسه گذشته دادم صحیح بوده است. بعد هم یک تحقیقاتی کردم معلوم شد که قرارداد بانک نه فقط بامضای مرحوم میرزا سید محمدخان نصر نبوده است بلکه در کابینه فعلی و کابینه سابق آقای مستوفی الممالک هم همچو قراردادی امضاء نشده است و این قرارداد در کابینه آقای فروغی امضاء شده و بانک فرستاده شده است.

رئیس — آقای شیروانی ( اجازه ).

شیروانی — تقریباً سه ماه است از عمر مجلس میگذرد. بنده اولین مرتبه است که از مذاکره قبل از دستور با اجازه آقایان نمایندگان محترم و مقام ریاست میخواهم استفاده کنم. بنده در این باب یک حسابی کرده ام که اگر هر و کیلی سه ماه یکمرتبه بخواهد قبل از دستور صحبت کند از روی تعداد جلسات وعده و کلا روزی سه نفر وکیل میتواند قبل از دستور صحبت کند البته میبایستی حتی الامکان هم از این حق مشروع استفاده کرد و هم نگذاشت که اوقات مجلس زیاد صرف کنفرانس شود ( بعضی از نمایندگان صحیح است ) بعقیده بنده باید مذاکره قبل از دستور همانطور که مقام ریاست هم یگروز تذکر دادند مسائلی باشد که نشود در تحت لوایح قانونی یا استیضاح تحت مذاکره در آورد. موضوع انتخابات مجلس شورای ملی بعقیده بنده یکی از مسائل اصولی است که اساساً بایست مجلس برای رعایت قوانین مملکت و برای رعایت احترام حکومت ملی همیشه یک مراقبتهائی داشته باشد اعم از اینکه این مراقبت یک ارتباطی بوظایف دولت یا مجلس یا حتی بوظایف ملت داشته باشد. باید یک وقتی مجلس شورای ملی ملت را بوظایف خودش آگاه کند. این است که بنده تصور میکنم موضوعی را که میخواهم چند کلمه در اطرافش بحث کنم (مخصوصاً چون بدولت فعلی اطمینان و اعتماد دارم) یک موضوعی

مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید.

(صورت مجلس روز سه شنبه هفدهم آبان ماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.)

رئیس — آقای میرزا عبدالله خان وثوق ( اجازه )

میرزا عبدالله خان وثوق — قبل از دستور.

رئیس — آقای شیروانی.

شیروانی — قبل از دستور.

رئیس — آقای دادگر ( اجازه )

دادگر — قبل از دستور.

رئیس — آقای نظامی.

میرزا یدالله خان نظامی — چون بنده را غائب بی اجازه نوشته بودند خواستم بعرض برسانم که استعجازه کرده بودم.

رئیس — در صورتی که کمیسیون عرایض و مخصی تصویب کرده باشد اصلاح خواهد شد. آقای آقاسید یعقوب ( اجازه ).

آقاسید یعقوب — اینجا در صورت مجلس راجع بشهریه و رتبه مرحوم نصر نوشته شده که لایحه دولت یکصد و بیست و سه تومان و سه قراں بود در صورتی که یکصد و بیست و سه تومان و پنجقران بود بعد با اصلاح مقام ریاست سه قراں شد اول پنجقران بود. این است که عرض میکنم اصلاح شود اول باید پنجقران باشد بعد سه قراں.

رئیس — اصلاح میشود. نسبت بصورت مجلس دیگر مخالفی نیست ؟

(گفتند — خیر)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. آقای میرزا عبدالله خان وثوق ( اجازه )

میرزا عبدالله خان وثوق — در جلسه گذشته راجع به بیانات آقای حائری زاده بنده یک توضیح مختصری در مجلس دادم بعد در خارج مجلس این توضیحات بنده یکبر انعکاساتی در خارج پیدا کرد و در یکی از جرائد محلی در تحت عنوان اشتباه بزرگ مقاله نوشته شده بود و یک اعتراضاتی کرده بود. این اعتراضات بدو جزء

نیست که بخراهم دولت را تحت سؤال یا استیضاح درآورم و مؤاخذه کنم. انتخابات در این مملکت با جهل عمری و عدم اطلاع عامه باین حقوق سوم ملی یک ضرورت خاصی پیدا کرده. این البته تقصیر عمال انتخابات نیست بلکه باید یک روزی این جهل عمری را رفع کرد ولی روی هم رفته ماها که اینجا نشسته ایم مخصوصاً باید این نکته را رعایت کنیم که اقلاً ظاهر این امر یک قدری محفوظ بماند و بالاخره کسانی که مرکز ثقل مملکت را تشکیل میدهند طرز انتخاباتشان در صورت ظاهر با قوانین مملکتی تطبیق داشته باشد بخصوص موقعی که مجلس شورای ملی هم مشغول کار است. قبل از اینکه مجلس شورای ملی افتتاح شود یعنی در ایام فراغت البته یک کارهایی میشود و یکمده در خارج می نشینند و رسیدگی می کنند و بالاخره مجلس شورای ملی تشکیل میشود ولی وقتی مجلس بنام مجلس شورای ملی تشکیل شد بعقیده بنده بیشتر باید قوانین را رعایت نمود. برای احترام این اسام زاده هم که شده است باید خود ماها مراقبت نمائیم. نظرم هست یک وقتی آقای مدرس میفرسودند به این اسام زاده که ما باید در سایه او زندگی کنیم باید احترام گذاشت. بنده معتقدم که متولیهای این اسام زاده را هم باید طوری انتخاب کرد که قابل احترام باشند بنده نظر به اینکه همانطور که عرض کردم دولت فعلی را این طور تشخیص داده ام که در نتیجه یک سیاستهایی و از روی یک عقاید وطن پرستانه روی کار آمده است البته همیشه سعی خراهم کرد که اگر یک مسائلی در پیش هست آنها را بطور تذکر یا مکتابه یا مذاکره حل کنیم ولی اگر یک وقتی دیدیم که این مذاکرات حقیقه پیش نرفت آنوقت مجبوریم از همان مجرای قانونی و از همان حفری که وکیل میتواند استفاده کند داخل کار بشویم. در عین حال این نکته را هم باید عرض کنم که بک ایادی از داخل و خارج از مسئولین و غیر مسئولین هستند که میل دارند حتی الاسکان این دولت را یک قدری بیشتر مسؤولیتهايش را سنگین نمایند و ما که طرفدار کابینه فعلی هستیم باید حتی المقدور در مقابل این سیاستهای مخفی وزیرجلی که برای این دولت بکار میرود کمتر بگذاریم که دولت فعلی زیر این بارها برود (بعضی از نمایندگان — صحیح است). بعقیده بنده این تذکرات نه تنها حمله بدولت نیست بلکه برای اینکه دولت را متذکر نمائیم و یک چاههایی که جلو پای دولتی که امروز مصالح مملکت او را روی کار آورده کنده شده است پایدیک تذکراتی داده شود و خیلی لازم است (صحیح است) فعلاً برای اینکه زودتر عرایضم را خاتمه بدهم داخل در اصل موضوع می شوم. انتخابات چند نقطه مملکت همین طور باقی مانده است. یکی انتخابات کاشان است ما و مخصوصاً لیدر محترم قانون انتخابات آقای حائری زاده در موقعی که این قانون را میگردانیم یک نظریات خاصی داشتیم من جمله می گفتم پنج ماه قبل از خاتمه عمر مجلس بایستی وسائل انتخابات دوره بعد تهیه شده باشد و سه ماه قبل از خاتمه مجلس باید تمام انتخابات مملکت شروع و یکماه به آخر مجلس مانده باید وکلای دوره بعد حاضر باشند و بیايند سر جای خودشان بنشینند که

انتخابات رشت چرا تمام نمی شود؟ هر روز جلویش را میگیرند. هی هر روز توقیف فردا رفع توقیف!! بالاخره کی تمام میشود؟ انتخابات کردستان. (این ورقه را البته آقایان ملاحظه فرموده اند) یک سرکزی که باید تمام آقایان تصدیق بفرمایند که تمام افکار مملکت الان باید متوجه آنجا باشد. چنین نقطه مهم سیاسی باید در این موقع در مجلس وکیل نداشته باشد!! انتخابات کردستان چهار پنج ماه است تمام شده است. تازه گی می شنویم که میخواهند ریش سفیدی بکنند و لنگ بیندازند و انتخابات را اصلاح کنند. یکی شما بدهید یکی هم بایستدیم. آن بازی که با آراء عمومی در میآورند حقیقتاً شرم آور است!! بنده تصور میکنم این کارها خوب نیست. وکیلی که پنج شش ماه است انتخاب شده و اعتبارنامه دستش هست نمیدانم چرا به مجلس نمی آید؟. انتخابات لاهیجان. انتخابات آنجا چندماه است تمام شده چرا نمی گذراند و کیلش بیاید به مجلس؟ آخر این چه پرده ایست؟ این کارها را بنده بالاخره نمیدانم اگر سؤال هم بکنم می آیند و یک جوابهای محملی میدهند که بدتر میشود و اهمیت سؤال هم از بین میرود. این کتاب سبز را البته همه آقایان ملاحظه فرموده اید بالاخره عرض میکنم.

آقای سید یعقوب — کتاب سبز دیگر مال کجا است؟

شیروانی — بخوانید بهینید مال کجا است. من والله متأثر میشوم وقتی این کتاب را خواندم خیلی متأثر شدم دیگر آقایان را چه عرض کنم. بنده آقا: چهار ماه توی بیابانها دویدم. ده بده قریه بقریه رقتم وعده ها به مردم دادم که همچو میکنم. همچو میکنم مملکت را گلستان میکنم تا بالاخره وکیل شدم. همین آقای ملک آرائی هشت ماه رفته است در بیابانها خوابیده. زحمته ها کشیده ما بالاخره انتخاب شده یکی هم یک دفعه فلان صندلی مجلس را هدف قرار میدهد و به هر ترتیبی که شده تمام این جریانات را زیر پای خودش میگذارد و خودش را میرساند روی صندلی وکالت و می نشیند. بالاخره احترام این اسام زاده همانطور که آقای مدرس فرسودند بسته به احترام گذاشتن به متولیهای این اسام زاده است بنده می بینم که سیرجان چندین ماه است انتخاباتش در جریان است و تمام نمی شود بعد یک چیزهای دیگری از توی صندوق بیرون می آید. اینها را بالاخره بنده عرض کردم که برای احترام این اسام زاده یک فکری بکنید که خود اسام زاده از دستانم نرود.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — عرض کنم بالاخره خوشبخت نیست کسی که سومین شخص یک مذاکره واقع شود. چون می بینم آقایان قدری کسل شده اند بنده هم سعی میکنم مختصر عرض کنم. آقای وزیر فوائد عامه در این مسافرت مازندران همه جا با ما بودند و کم و بیش قضایا را در راه دیده اند. تجربه هم داریم و قضایا از راه چشم بیشتر در دل اثر می کند و از راه گوش گاهی خیلی مؤثر واقع نمی شود ما چه دیدیم؟ ایشان هم نمی توانند انکار کنند (چون مشترکاً دیدیم) دیدیم در تمام صفحه مازندران دیگر گاوی نموده و همه گاوها برده اند. بالاخره چندتائی هم که مانده است چون

منطقه مسموم است آنها هم بتدریج می میرند. خوب. مردن این گاوها چه تأثیری دارد؟ حالا درهای تجارت شمال مسدود و بسته است و چه مصائب و صداساتی را باید ساکتین آن خطه از این راه متحمل شوند و بالاخره زندگانشان هم از بین میرود به آن کاری ندارم. در باطلاق و شالی زار و اینها جز با گاو نمی شود زراعت کرد و بالاخره این هم حالشان است که می بینید. همکار محترم من آقای شریعت زاده چند روز قبل در این باب تذکری دادند و من در روزنامه خواندم. آقای وزیر فوائد عامه هم توضیحاتی دادند ولی جواب ایشان منتج نبود. چه طور؟ یعنی تا این تشریفات و ترتیبات مقدساتی کار بیاید و تمام بشود دیگر چیزی باقی نمی ماند. تلقیح سرم. پیش بینی از آفات و اینها مؤثر نیست. بنده بحسن نیت آقای وزیر فوائد عامه معتقدم و تردیدی ندارم ولی حالا کار در کجا گیر است نمیدانم بر من که مجهول است. و آیا تا کی باید قضایا بماند و بماند و چه تلایح و خمی از این رهگذر عاید بشود آن را هم نمیدانم. بالاخره در آنجا به بنده گفته اند و از من خواسته اند که بگویم و من هم نمی توانم لااقل از گفتن دریغ و مضایقه بکنم. آنها اطلاع میدهند. میگویند. بهمه آقایان نمایندگان سابقه میدهند که برای سال آینده ما دیگر هیچ چیز نداریم. حتی آخرین گاوشان هم دارد می میرد برای خاطر اینکه سرم نیست و بالتجربه بنده از آقای رئیس محترم مجلس استمداد میکنم و از آقایان نمایندگان محترم کمک میخواهم که در این قضیه توجهی بفرمایند. چون این قضیه یک قضیه نیست که بماند. قوت لایموت یک عده مردم است. بالاخره به این مردم باید کمکی بشود که بقیه السیف گاوهایشان شاید بماند و صد هزار نفر هم در اثر این کار از بین نروند و از گرسنگی نمیرند. بنده با آقای وزیر فوائد عامه در این خصوص حرف زدم. ایشان هم فرمودند لایحه تنظیم کرده ام. و میدانم هم لایحه را تنظیم کرده اند ولی حالا در کجا مانده است نمیدانم و بالاخره آنقدر خواهد ماند تا بقیه السیفش هم از میان برود. حالا در این باب و از این گفتن ها ما چه نتیجه می گیریم خودم متحیرم و نمیدانم چه نتیجه می گیریم. برای اینکه وقت هم میگذرد و بالاخره چیزی باقی نمی ماند و هر قدر هم بخواهم اینجا اهمیت این مسأله را عرض کنم بالاخره نمی توانم. این عده که معیشتشان منحصر به گاو است که از شیرش باید بپاشانند و از خودش زمین را شخم کنند همه تمام میشوند و میروند بی کارش. بالاخره در دنبال این قضیه جنگل هم می آید. چیزهای دیگر هم می آید. مسأله تجارت هم می آید و باید این همه مصائب و خطرات را تحمل نمایند تا سال آتیه ببینیم در آنجا آیا آدمی. برنجی. زنده. چیزی. باقی میماند یا خیر؟ این را من مرددم.

رئیس — آقای وزیر معارف.

وزیر معارف — یک فقره پیشنهاد است راجع به بودجه مدارس و مؤسسات جدید که عبارتند از ده مدرسه شبانه که فعلاً دایر است و این مدارس در ده ناحیه شهر یک ماه و نیم است کار می کنند. والان هشتصد نفر اکابر در آنجاها تحصیل میکنند. یکی هم راجع به مدرسه مهندسی است که افتتاح شده است و مشغول کار است.

یکی هم برای مدارس حرفه‌ایست که در بودجه پیش‌بینی شده است و یکیش افتتاح شده و بقیه‌اش هم در آتیه افتتاح می‌شود. چون اینها از اول مهر شروع بکار کرده‌اند و بایستی حقوقشان یک دوازدهم یک دوازدهم برسد این است که استدعا شده حقوق آنها پرداخته شود. وزارت مالیه هم موافقت کرده است که تصویب و پرداخته شود. یکی هم تقاضای بیست و پنج هزار تومان است برای اثاثیه و تعمیرات مدارس ولایات. مدارس ولایات مدت‌ها است یعنی قریب هشت نه سال است اثاثیه‌شان سرمت و تعمیر نشده و غالب آنها خراب است به قسمی که جا ندارند بنشینند. یکی دیگر هم بناهایی است که برای مدارس دولتی است و آن بناها هم بواسطه عدم تعمیر و نزدیکی زمستان غالبش خراب خواهد شد. این است که چون مجلس هم موجود است استدعا کرده‌ام این بیست و پنج هزار تومان را تصویب فرمائید داده شود اینها را از بابت صرفه‌جویی‌هایی که سال ششماه اول سال است و در بودجه منظور شده محسوب دارند.

رئیس — به کمیسیون بودجه فرستاده می‌شود. خبر شعبه اول راجع به نمایندگی آقای مفتی از سقز رسیده است. آقای افشار (آقای افشار در محل نطق حاضر و راپورت شعبه اول را راجع به نمایندگی آقای مفتی از سقز و بانه به شرح ذیل قرائت نمودند) انجمن نظارت سقز و بانه در چهاردهم اسفند ماه ۱۳۰۴ منعقد و در نتیجه استعفای چند نفر از اعضا اصلی بجای آنها از اعضا علی‌البدل انتخاب و به جریان انتخاب مبادرت کرده‌اند در اواسط امر اشکالاتی دائر بدسیسه در قسمتی از انتخابات روی داده که از طرف وزارت داخله تعقیب و تصحیح شده است و در نتیجه استخراج آراء آقای عرفان در درجه اولی و آقای مفتی در درجه ثانی حائز اکثریت بوده‌اند و چون آقای عرفان از نمایندگی قبل از دریافت اعتبارنامه استعفاء داده‌اند آقای مفتی به اکثریت پنج هزار و چهل و نه رأی به نمایندگی سقز و بانه منتخب و شعبه بعد از مطالعه و مذاقه در اطراف آن صحت نمایندگی آقای مفتی را به اتفاق آراء حاضرین تصدیق می‌کند.

رئیس — رأی گرفته می‌شود به نمایندگی آقای مفتی از سقز و بانه آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس — تصویب شد. شروع می‌شود به اجرای مراسم تحلیف نسبت به آقایانی که تا بحال سوگند یاد نکرده‌اند.

(آقایان حاج میرزا حبیب‌الله امین و شریعت‌زاده احضار و هریک جداگانه قسم‌نامه را قرائت و امضاء نمودند)

(در این موقع عده از نمایندگان از مجلس خارج شده بودند و عده کافی نبود)

رئیس — به آقایان بگوئید بیایند والاقرآن را از مجلس بیرون ببرند. آقای طباطبائی دیا بیرون هستند بگوئید بیایند برای قسم خوردن...

یاسائی — طباطبائی و کیلی.

رئیس — بلی آقای طباطبائی و کیلی.

براه‌آهن است از منطق خارج می‌شود. در قانون مصوبه بیستم بهمن‌ماه هزار و سیصد و چهار در ماده دوش اجازه ساختن خطوط آهن اصلی و سهمیه مملکت را مقید کرده است باینکه مواد اولیه و وسایل کار در خود مملکت ایجاد شود. این البته از نقطه نظر اقتصادی - از نقطه نظر مملکتی بسیار نظر خوبی است و اگر صورت عملی می‌داشت خیلی مستحسن‌تر بود و می‌بایستی هم تعقیب بشود ولی بعقیده بنده که سایل و خواستارم راه‌آهن هرچه زودتر در این مملکت ایجاد شود این قید باین رویه که در آن قانون تعیین شده یک مانع و محظوری است برای راه‌آهن باین ملاحظه بنده بالوایی که مربوط با اجرای آن قانون است نمیتوانم موافقت کنم ولی راجع باصل آن قانون هم بطور اصلاح و بطور طرح پیشنهادی نظریاتی دارم که بعد خدمت آقایان عرض خواهم کرد.

شیروانی مخبر کمیسیون بودجه - اگر کس دیگر غیر از حضرت والا مخالفت می‌کرد آنهم بعنوان آن قانون - بنده تعجب نمی‌کردم ولی ایشان باید این حقیقت را اعتراف بفرمایند که یک قانونیکه بتصویب مجلس شورای ملی رسیده تا الغاء نشود بقوه خودش باقی است (نمایندگان - صحیح است) در این صورت مخالفت ایشان با آن قانون و باین مناسبت مخالفت کردن با این لایحه یک ربط خیلی خارج از منطق است بعقیده بنده - و اما فرمودند که ایشان چون با آن قانون مخالفت باین مناسبت با این لایحه مخالفت می‌کنند، اتفاقاً دیگران چون ممکن است با آن قانون موافقت با این قانونهم موافقت نمایند برای اینکه همانطور که فرمودند یک عده در این مملکت عقیده‌شان این است که اگر هم یک قدری دیرتر موفق بشویم که راه‌آهن را در این مملکت ایجاد نمائیم ولی بالاخره باید مواد اولیه که در دست خودمان و در مملکت خودمان داریم از آنها استفاده نمائیم و بعقیده ما این یک منطق و یک کار خیلی صحیحی است. کما اینکه می‌فرمایند عملی نیست روی هم رفته چون نه بنده و نه ایشان هیچ کدام متخصص در ذوب آهن و راه‌آهن نیستیم و عملی بودن یا نبودن را از روی مسموعات خودمان اظهار می‌کنیم بالاخره باید وقتی متخصصین که بموجب همان قانون استخدام کردیم و آمدند و مشغول کار شدند آنوقت به بینیم آنها چه طور اظهار عقیده می‌کنند و آیا عملی میدانند یا نه در آن موقع اظهار عقیده ایشان یا بنده برطبق نظریه متخصص است و البته آنوقت مسموع خواهد بود نه حالا. و اما آمدیم در قسمت این لایحه اصلاً این لایحه بآن موضوعی که حضرت والا غیر عملی میدانند یعنی با ذوب آهن ایران ارتباطی ندارد. این لایحه راجع است بآن رأیی که مجلس دوره پنجم برای نقشه کشی مقدساتی داده است و اصلاً یک موضوع مستقلی است. یعنی اگر یک وقتی مملکت ایران عقیده پیدا کند که ایجاد راه‌آهن را بطور مناقصه بکمپانی‌های خارجی بدهد لازم است یک نقشه علمی که یک متخصص عالی مقام آمریکائی کشیده باشد در بازار دنیا ارائه بدهند و اگر هم انشاءالله خواست خودش شروع کند بکشیدن راه‌آهن باز باید نقشه علمی راه اصلی موجود باشد. در هر صورت مجلس شورای ملی دو بیست و پنجاه هزار تومان اعتبار داده است برای نقشه کشی و نقشه کشی را هم (خود حضرت والا

تصدیق می‌فرمایند) که بدست یک نفر مهندس ممکن نیست و باید در تمام مملکت یک مرتبه شروع کنند و متخصص نقشه کشهای خودش را باید تقسیم کند بنقاط مختلفه مملکت. خود حضرت والا در کمیسیون بودجه تشریف داشتند. نماینده دولت توضیح داد که باید مطابق این ترتیب شروع کنند. پس قبلاً مطابق اعتباری که مابعد دولت داده‌ایم دولت نقشه راه‌آهن را بوسیله این متخصصین می‌کشد آنوقت در قسمت اینکه آهنگش از خودمان باشد یا نباشد یا اینکه طول میکشد و نمی‌کشد اینها یک موضوعاتی است که مربوط به متن راه‌آهن یعنی در موقعی است که می‌خواهیم شروع بایجاد راه‌آهن بنمائیم. امروز متخصص نقشه کش حرکت کرده چند روز دیگر هم وارد می‌شود. اسباب و ادوات کار لازم دارد. من جمله یک نفر منشی تند نویس و یازده نفر متخصص و مهندس دیگر برای معاونت خودش خواسته است تمام اینها را هم در کمیسیون بودجه توضیح داده‌اند که لازم است و بالاخره اگر ما بخواهیم کاری کنیم و شروع بعملیات بکنیم و راه‌آهن بکشیم این وسایل را لازم دارد ولی اگر خیر بخواهیم این پولها در یکجا جمع شود و یک نفر متخصص هم بیاید اینجا و هر روز مشغول ملاقات این و آن بشود و بالاخره مدت کارش هم تمام شود آن‌اسری است علیحده. مقصود ما این است که بمجرد ورود او اسباب کارش فراهم باشد تا اینکه بالاخره ما بتوانیم انشاءالله در قدم اول نقشه کشی‌مان تمام شده و بعد سایر وسایل ایجاد راه‌آهن را فراهم نمائیم.

رئیس — آقای فهیمی — (اجازه).

فهیمی — بنده اولاً استدعا میکنم از آقایان که یک توجهی بفرمایند و اگر عرایضی در اطراف این موضوع می‌شود برای این است که مجلس شورای ملی یک مجلس مشورتی است که بایستی همیشه در آنجا عقاید موافق و مخالف گفته شود تا در نتیجه یک چیز مفیدی برای مملکت بدست بیاید. پس عصبانی شدن و یا اعتراض کردن مورد نخواهد داشت ما همه‌مان بالاتفاق طرفدار این هستیم که مملکت ما محتاج براه‌آهن است و می‌خواهیم به هر وسیله که هست اینکار را تسریع و عملی کنیم. حالا بعضی اشخاص تصور می‌کنند راه عملی این شکل است بعضی خیال می‌کنند شکل دیگری است این مذاکره شد از قانون بیستم بهمن و شاید فرضاً بنده هم آنرا عملی ندانم اما عجالتاً همانطور که آقای مخبر اظهار نمودند تا موقعی که آن قانون لغو نشده است بایستی مدلولش محترم باشد. ولی بنده اینجا یک موضوعی می‌بینم که اصلاً مخالف با همان قانون است زیرا در ماده اول آن قانون پیش‌بینی کرده است که دولت باید خطوط عمده راه‌آهن را معین کند و اسباب یک خط عمده را بتصویب مجلس برساند و بعد شروع کند به نقشه کشی و سایر کارها راه عملی هم همین است زیرا راه‌آهن یک موضوعی است که در آن واحد هم مربوط به قسمت سیاسی است هم اداری هم اقتصادی و هم استراتژیکی و تمام این قسمتها را باید دولت در نظر بگیرد و معین نماید که از چه خطی باید شروع نماید و البته این موضوع هم موضوعی نیست که متخصص

خارجی لازم داشته باشد حالا شاید در بعضی قسمت‌ها و بعضی جاها کمکی از آنها بخواهند ولی موضوع سیاسی و نظامی (استراتژیکی) یک چیزی است که دولت خودش باید تصدیق کند ولی این نقشه‌ای را که هنوز بمجلس نیاورده‌اند و بنده هم ندیده‌ام در دوره قبل هم همچو نقشه نباشد. پس وقتی که هنوز معلوم نیست از چه نقطه به چه نقطه خط آهن کشیده خواهد شد مهندس نقشه کشی چکار خواهد کرد؟ آقا نقشه کجا را می‌کشد؟ در قانون قبل هم این موضوع را پیش بینی کرده ولی هنوز عملی نشده است و در همان قانون یک متخصص عالی مقام برای این کار پیش‌بینی کردند که استخدام بشود و الان هم در راه است. آیا بهتر این نبود که انتظار می‌کشیدیم تا این متخصص وارد شود و با هیئت دولت و اشخاصی که نظرشان در این کار مؤثر است مشورت کنند و مذاکره کنند و اول خطی را که باید شروع شود تشخیص بدهند بعد داخل در عملیات نقشه کشی بشوند؟ بنده مخصوصاً شنیدم دکتر میلیسپو هم با این عقیده همراه بوده که صبر بکنند تا متخصص برسد دولت هم اول یک صورتی پیشنهاد کرده بود که چند نفر مهندس و چند نفر رابط استخدام کنند ولی در کمیسیون بودجه از آنها توضیح خواسته شد که این اشخاص برای چیست نتوانستند توضیح بدهند و بالاخره مطلب را برگرداندند و گفتند یک نفر تئدنیوس و یازده نفر مهندس. این تغییرات البته اگر بنظر آن متخصص باشد مناسب‌تر و بهتر است زیرا او رئیس است و ما از او کار می‌خواهیم. البته اگر ما در اینجا متخصص میدانستیم دیگر محتاج باوردن متخصص نبودیم. پس این شخص که حالا از پاریس رسیده است یا عنقریب حرکت می‌کند بهتر این بود چند روزی تأمل میکردیم تا او هم میرسید و اگر میبایستی واقعاً شروع بکند به نقشه کشی شروع بکند و ببیند چه اشخاصی برای این کار لازم است و وقتی که آمد نقشه خودش را روشن کرد ببینیم این نقشه کشی که میگوید نقشه کشی عمیق است، نقشه کشی سطحی است؟ چه چیز است؟ و شاید در ایران بین مهندسين اشخاصی پیدا شوند که بتوانند به آنها خیلی کمک کنند. زیرا در این قسمت نقشه کشی همیشه در کسانی که یک قدری مثلثات و مسطحات را خوانده باشند میتواند عمل کند ولی اگر یک نقشه کشی برای قسمت کوهنیا و دره‌ها لازم است البته باید تخصص داشته باشد. از آنطرف اعتباری که برای این متخصصین خواسته‌اند و می‌بینیم معلوم است متخصص و مهندسين عالی نخواهند آورد زیرا پنجاه هزار تومان اعتبار خواسته‌اند برای دوازده نفر که بکمی دوفتر از اینها یا بیشتر متخصص عالی‌تر خواهند بود که حقوقشان هم زیاده‌تر است و باقی با سالی دو سه هزار تومان شاید اجیر شوند و اینها لابد کسانی هستند که در آمریکا کمتر فایده می‌برند و حقوق میگیرند و برای استفاده از حقوق بیشتری راضی میشوند که بیایند در مملکت دیگری خدمت کنند حالا ملاحظه فرمائید در آمریکا که یک مملکت پر ثروتی است و عملیات آن کمتر از روزی شش هفت دلار ندارند البته اشخاصی هم که با همین قیمت‌ها سی‌اند تقریباً همان عملیات هستند و اگر ما با این زمینه شروع کنیم که عملیات را هم تا این

روز دیگر هم تأمل کنیم تا متخصصی که در راه است وارد شود و خود او هم این نظر را مطالعه نماید و با دولت مذاکره کند زیرا مطابق قانون سابق ترتیباتی را که می‌خواهد عمل کند باید به تصویب مجلس برساند. حالا اگر تصویب مجلس لازم نیست پس ماده اول آن قانون را لغو کنید و اگر هم حالا می‌خواهد شروع به کار نقشه کشی بکند اقلاً عده مهندسينی را که لازم دارد انتخاب کند و با حقوق و تکالیف معین به تصویب مجلس برساند و اگر در بین ایرانی‌ها هست استخدام نماید تا بالاخره اگر بخواهیم شروع به کار کنیم اسیدوار باشیم که نتیجه هم خواهد داشت و والا اگر مقصود این باشد که یک موضوعی در دست داشته باشیم و هر موقعی پیش آمد اظهار علاقه و حرارتی بکنیم بد نیست یک پولی داده‌ایم و گاهی هم یک صحبتی از راه‌آهن می‌کنیم. قسمت دیگر هم که می‌خواستیم عرض کنم این است که چون قسمت عمده این کار یعنی قسمت اولیه و ضرورت مسأله در کمیسیون فواید عامه تصویب شده است، نبایستی همیشه نظریات‌مان را متوجه کمیسیون بودجه کنیم و به مخبر کمیسیون بودجه حمله کنیم. خوب است آقای مخبر کمیسیون فواید عامه هم آن نظریات و مطالعاتی که در کمیسیون فواید عامه شده است گاهی توضیح بدهند که معلوم شود در آنجا ابتدا چه نوع تصمیمی گرفته‌اند و آقای مخبر کمیسیون بودجه هم در قسمت خرجش دفاع کنند.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - فرمایشاتی که آقای فهیمی فرمودند بیشتر متوجه به کارخانه آهن ذوب کنی و متخصص آن بود که جای مذاکره آن هم در لایحه بود که سابقاً از تصویب مجلس گذشت و متأسفانه دوره پنجم هم تشریف نداشتند که عقیده خودشان را در موقعش بفرمایند. اخیراً بنده می‌بینم یک افکاری پیدا شده است که می‌گویند اگر ما چنانچه اقداماتی می‌کردیم و یک مقدار رایل از خارجه می‌خریدیم راه‌آهن زودتر کشیده میشد. این هم یک فکری است و ممکن است بعد در اطراف آن مذاکره شود و دولت یک لایحه‌ای بیاورد که هم کارخانه آهن ذوب کنی وارد شود و هم این متخصص کار خودش را بکند و هم از یک گوشه دنیا هم یک مقدار رایلی بخرند و شروع به کار کنند و با این مسئله منافاتی ندارد و اگر هم تنافی داشته باشد و آن قانون اجازه ندهد ممکن است در آتی به نظر دولت و مجلس آن قانون اصلاح شود که هم زودتر شروع به کار راه‌آهن بکنند و مانعی هم نباشد که وسائل آهن ذوب کنی در این مملکت چه از نقطه نظر خط آهن و چه از نقطه نظر احتیاجات دیگری که این مملکت به آهن دارد فراهم شود. اینکه آقای فهیمی فرمودند قبل از اینکه مهندسين شروع به کشیدن نقشه مقدماتی خط آهن بکنند باید مسیر آن را معین کنند که معلوم شود از چه نقطه‌ای به چه نقطه‌ای می‌خواهند خط آهن بکشند این مذاکرات در دوره پنجم راجع به همان قانون بیستم بهمن‌ماه شد و در آن وقت هم ما نتوانستیم این مسئله را حل کنیم و حالا هم اگر آقایان می‌خواهند این قضیه را حل نمایند حل‌شدنی نیست زیرا در آن وقت دولت خطوط اصلی و فرعی را هرچه

به نظرش آمده بود در تحت یک لایحه‌ای تنظیم کرده بود و به مجلس تقدیم نمود و گفت در این حدود ما می‌خواهیم خطوط آهن دائر کنیم. از تبریز - به طهران. از انزلی به طهران. از بندر جز به طهران. طهران به بوشهر. طهران به محمره. طهران به بندر کواثر. طهران به دزداب. و خیلی از نقاط مملکت را اسم برده بود ولی گفتگو در تقدیم و تأخیر آن بود که کدام رشته، رشته اصلی خواهد بود و کدام رشته را این متخصص باید نقشه‌اش را بردارد؟ و در نتیجه مذاکرات زیادی که شد البته هر کس از نقطه نظر ولایت خودش یک نظری داشت. آقای حائری‌زاده سیل داشتند که از یزد برود به کرمان. و کلای فارس می‌گفتند از شیراز برود و کلای خوزستان می‌گفتند از دزفول و کجا برود. بنده هم می‌گفتم راه بندر جز را از راه سازندران بیاورند بلکه از راه سمنان و دامغان بیاورند و بالاخره هر کس یک طوری به نظرش رسیده بود و می‌گفت تا اینکه به طوری که در خاطر دارم آقای مدرس پیشنهاد کردند که این را واگذار به نظر دولت نمایند و دولت هر کدام را بهتر دانست انتخاب کند بنابراین در آن قانون در این باب ذکر نشد و این قانون هم متمم آن قانون است و چیز تازه‌ای نیست. یک متخصصی را ما استخدام کرده‌ایم. این متخصص تقاضا و توصیه کرده است که اگر می‌خواهید من بیایم بدون یک معاونینی که تخصصات خاصی داشته باشند نمی‌توانم کار بکنم و اگر می‌خواهید من بیایم باید این تقاضای مرا انجام دهید و همینطور یک نفر منشی تندنویس خواسته است. آقای فهیمی فرمودند که در کمیسیون بودجه نتوانسته‌اند توضیح بدهند که این مهندسين را برای چه می‌خواهند؟ خیر اینطور نیست؟ توضیح هم دادند. اینها برای سطح‌شناسی و نقشه‌برداری هستند و بالاخره آن منشی تندنویس را هم بعد از اینکه ما تحقیقات کردیم معلوم شد در ایران اینطور منشی تندنویس نیست و در لایحه هم اسم این منشی را مقدم بر سایرین نوشتند و خود این دلیل بر اهمیت او است که معلوم میشود از سایرین مهم‌تر است و مطابق توضیحاتی که دادند در ایران یک همچو منشی تندنویس که خواسته‌اند نیست. بعلاوه ما در ذیل این ماده هم قید کردیم که اگر در ایران بکس همچو اشخاصی پیدا شوند آنها مقدم خواهند بود و دولت باید آنها را استخدام کند. آن متخصص هم گویا از پاریس حرکت کرده است و تا ده پانزده روز دیگر وارد میشود و وقتی وارد شد البته با او مشاوره میشود و با موافقت نظر او اگر در بین ایرانی‌ها اشخاصی باشند که از عهده این اعمال برآیند البته او هم موافقت خواهد کرد که از ایرانی‌ها باشند و اگر خیر در ایران نداشتیم آن وقت این اشخاص را که تقاضا کرده استخدام میشوند. فرمودند دکتر میلیسپو با این ترتیب موافقت ندارد. ما که بالاخره در کشیدن خط آهن نباید نظریه او را جلب کنیم. دکتر میلیسپو متخصص مالی است و رئیس مالیه است البته نظریه او را باید در قسمت اقتصادیات رعایت کنیم ولی خط آهن بدست دکتر میلیسپو در ایران کشیده نخواهد شد. و دیگر بنده از فرمایشات آقای فهیمی چیزی ملتفت نشدم که جواب عرض کنم جز اینکه تقاضایشان از مجلس

این بود که این لایحه بماند تا متخصص وارد شود و بنده تصور میکنم موجبی نداشته باشد که این لایحه تأخیر بیفتد تا متخصص بیاید زیرا متخصص خودش این تقاضا را کرده است و مصر است که زودتر خبر این کار بهش برسد و معاونتش را هم حرکت بدهد و اگر ما بخواهیم تأمل کنیم که ایشان وارد شوند و با نظر و میل ایشان خطوط راه آهن را معین کنیم که از کجا به کجا خط بکشیم و آنوقت این لایحه را بگذرانیم بنظر بنده تأخیر زیادی خواهد افتاد و بعلاوه تعیین خط را بنظر متخصص نخواهیم گذاشت زیرا متخصص را که ما از آمریکا میاوریم برای این است که نقشه مقاماتی را تهیه بکند والا کشیدن خط آهن از چه بچه نقطه؟ این را باید خودمان پیش بینی و تعیین کنیم: از نقطه نظرهای سیاسی، تجارتی، اقتصادی، اینها چیزهایی است که خود ما باید ملاحظه کنیم و به بینیم در آینه چه خطی برای ما بیشتر اهمیت و لزوم دارد؟ اینها قسمت‌هایی است که خود ما باید رأی بدهیم و بالاخره نظریه تخصص دکتور میلیسپو و سایر کسانی که از این بابت اطلاعاتی دارند از آنها هم کسب نظر میشود ولی در هر صورت ما این اختیارات را نه به متخصص نقشه برداری میدهیم و نه بدکتور میلیسپو و این قسمت باید در آینه نزدیکی حل شود و در ضمن این لایحه هم حل شدنی نیست و بنده عقیده‌ام را میگویم و تصور میکنم عقیده سایر آقایان هم همین بشود که اولین خط خطی است که از بندر جرج برود به بحر و بیاورد هم آقایان سباحه نفرمایند از قزوین بجای دیگر نخواهیم کشید.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهاد خروج از دستور شده است.

(پیشنهاد سربور بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون راجع با استخدام دوازده نفر مستخدم متخصص راه آهن از دستور جلسه امروز خارج شود تا بعد از ورود متخصص آمریکائی وسطالعات لازمه پیشنهاد بشود. وثوق - عدل - فهمی - حیدری.

رئیس — آقای وثوق (اجازه).

سیرا عبدالله خان وثوق - بنده توضیحات زیادی در موضوع این پیشنهاد نمیخواهم عرض کنم چون آقایان فهم الملک و فیروز سیرا و سایر آقایان توضیحاتی دادند. نظر بنده راجع بخروج از دستور فقط از این نقطه نظر است که عجالتاً تأمل نکنیم تا متخصص راه آهن بیاید و بعد از مذاکره با او سطالعات لازمه و اطمینان باینکه عده کافی برای استخدام متخصصین درین ایرانیها نداریم و بعلاوه با تعیین عده را که اولاً لازم میدانند در ثانی پیشنهاد بشود آن هم با یک اعتبار کافی نه با پنجاه هزار تومان اعتبار برای دوازده نفر آمریکائی! و در واقع لایحه بماند تا بعد از ورود او و البته اگر یک لایحه صحیح تری تهیه شود همه هم موافقت خواهیم کرد و تصویب خواهد شد.

وزیر فوائد عامه — نتیجه مذاکراتی که تا بحال شده است آن قسمتش که امروز محل حاجت است این است که متخصص بیاید و سلیقه خودش را بگوید بعد سایر اشخاصیکه در لایحه

پیشنهاد شده است استخدام شوند و ضمناً بعضی‌ها موافق بودند و بعضی‌ها مخالف و چون بنده می بینم روی زمینه‌ای که اساس ندارد صحبت میشود مجبور شدم که اساس به این زمینه بدهم آنوقت آقایان مختارند. این متخصص بر طبق قانون بیستم بهمن ماه توسط رئیس کل سالیه که البته بصیرتش در امور آمریکائی‌ها بیشتر است معین شده است و به او هم اطلاع داده شده است که به موجب این قانون و شرایط آن شما را استخدام می‌کنیم او هم قبول کرده است و اینکه فرمودند در راه است نیز اطلاع ندارم و آنچه که بنده اطلاع دارم این متخصص الان در پاریس است و تلگراف کرده است به میلیسپو که آمدن من منفرداً به ایران برای یک همچو خدمتی که شما از من توقع دارید بی‌مدرک است و فایده ندارد و اگر میخواهید من کار بکنم و از من کاری ساخته شود باید این اشخاص را که من لازم میدانم استخدام کنید و این اشخاص را هم که متخصص پیشنهاد کرده است یک نفر مهندس است با حقوق عالیتر و یک نفر مهندس دیگر است برای کارهای دیگری که خودش میداند با یک حقوق قدری کمتر و یک چند نفر دیگری که روی هم عده شان بالغ بر دوازده نفر میشود آنها هم برای یک کارهای دیگر است و منتظر هم هست که ما با جواب بدهیم که تمام یا بعضی از اینها را معین نماید و همراه خود بیاورد حالا در اینصورت که خود متخصص میگوید اگر من تنها بیایم کاری ساخته نیست بنده نمیدانم ما به چه ملاحظه می‌گوییم اول او بیاید این جا و بعد از اینکه آمد طهران آنوقت بگوید من اگر این اجزاء را نداشته باشم نمیتوانم کار کنم؟! (بعضی از نمایندگان — صحیح است) اما در باب سایر مسائل آنها موقت است و باید در موقع خودش گفتگو کرد. این متخصص این اجزاء را خواسته است یعنی تلگراف کرده است به میلیسپو و او هم تلگراف را برای بنده فرستاده است بنده هم در این موضوع با میلیسپو صحبت کردم و در کم و زیاد این عده دوازده نفری، حتی در موضوع منشی ایراد کردم ولی آنها بیک ادله که گفتند بنده را متقاعد کردند و واضحتر دلیلش هم این است که ما مهندس نداریم. الان برای همین راههایی که می‌خواهیم تسلیح بکنیم و برای پیچاندن آنها از اینطرف بان طرف یا همین راه یزد که میخواهیم شروع کنیم مهندس نداشتیم و آن مهندس که در اصفهان بود فرستادیم به یزد و همینطور برای خیلی کارهای دیگر مهندس نداریم خصوص مهندسی که بتواند این طور کارها را بکند و مخصوصاً برای مقاطع کره و حساب ساختن پل آهنی یا غیر آهنی اصلاً امروزه هیچ در این مملکت نداریم در موضوع این مهندسین بنده بدو نظر موافقت کردم یک نظر این است که اگر ما مهندس هم برای بعضی کارها داریم خیلی کم است و راجع به رشته راه آهن مهندسی که تخصص داشته باشد دو سه نفر در مملکت بیشتر نیست یکی در آذربایجان است و یکی هم در راه خرم آباد کاری کند ولی اینها وجودشان لازم است وزیر همدیگر را هم نمیدانند. و مسئله تندنویس و منشی را هم که خواسته است از این نظر تقاضا کرده است که وقتی میخواهند نقشه یک چنین چیزی

را بردارند. یک مهندس باید اینطرف کره باشد و یکی هم آنطرف کره و این دو نفر مهندس باید از کار و عملیات یکدیگر مسبق باشند و بفهمند چکار میکنند. یک مهندس رابطی هم لازم است که از این مرکز هندسی بان مرکز هندسی برده و مطالب این یکی را از روی اصطلاحات فنی بان یکی بفهماند. و آن یک نفر منشی را که بالاخره بنده هم تصدیق کردم و حقوقش هم اینقدرها زیاد نیست از این راه است که خود آن منشی اولاً باید تندنویس باشد و ثانیاً زبان‌شان را بداند و ثالثاً مسبق و آشنا بان اصطلاحات باشد که وقتی بهش میگویند فلان چیز را بنویس دیگر لازم نباشد نیم ساعت هم درسش بدهند این موضوعی بود که بنده همچو دانستم که یک قدری توضیح میخواهد و بقیه مطالب یک قدری فلسفه بود و یک قدری تاریخ ولی امروز ما در آن مرحله نیستیم و در موقعش وارد میشویم.

بعضی از نمایندگان — صحیح است.

سیرا عبدالله خان وثوق — بنده قانع شدم.

رئیس — شما تنها قانع شدید چهار نفر دیگر هم هستند.

رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس — رد شد. رأی میگیریم برای ورود در شور مواد.

آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس — ماده اول خبر کمیسیون بودجه قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول — مجلس شورای ملی بوزارت فوائد عامه اجازه میدهد که برحسب توصیه متخصص فنی آمریکائی ساختمان راه آهن یک نفر منشی تندنویس و یازده مهندس آمریکائی بجهت نقشه برداری مقاماتی راه آهن ایران برای مدت دو سال بعنوان معاونت خود استخدام نماید.

رئیس — آقای محمد ولی سیرا (اجازه)

محمد ولی سیرا — بنده قبلاً باید عرض کنم که برخلاف یکی از نمایندگان محترم قانون مورخه بیستم بهمن ماه ۱۳۰۴ را موادش را خیلی خوب و متناسب میدانم مخصوصاً همان ماده دومش که راجع به مسئله تهیه مقدمات راه آهن از محصولات ایران است خیلی مفید و مخصوصاً منافع آجل آن فرع بر این اصل است که کشیدن راه آهن باشد و بنده آن را خیلی محترم میشمارم و مفید میدانم. از اینکه صرف نظر شود راجع باین ماده اول که دائر با استخدام یک نفر متخصص فنی و یازده نفر مهندس و یک نفر منشی تندنویس است بنده در این عده که استخدام خواهند شد با آن دلائلی که آقای وزیر فوائد عامه و همچنین آقای مخبر فرمودند فقط وجود همان منشی تندنویس را ضروری میدانم چون منشی تندنویس برای تهیه راپورت‌هایی است که برای متخصصین باید

ترتیب بدهد و این یک چیزی است که همه میدانیم که با طرز کار کردن متخصص اروپائی کمال احتیاج را به منشی تندنویس دارند و محتاج بهیچ بحثی نیست ولی در همان موقعی که قانون بیستم بهمن ماه ۱۳۰۴ از تصویب مجلس گذشت در اطراف این موضوع اگر آقایان در نظر داشته باشند مذاکرات بسیار شد و این مسئله محرز و مسلم است که یک یا چند نفر متخصص که بایران می‌آیند بالاخره از این دو کار یکی و از این دوش یکی را بدولت باید پیشنهاد کنند و بعد آن شقی را که آنها پیشنهاد مینمایند بتصویب مجلس برسد و مورد اجرا واقع شود و آن این است که دولت با عواندی که دارد یا با عواند بودجه خودش که مخصوصاً برای اینکار پیش بینی شده است قادر خواهد بود یا توانائی خواهد داشت که وجوهات را فراهم کند. و راه آهن ایران را خودش بکشد آنوقت متخصص هم لازم دارد و بعقیده بنده هم یازده نفر که هیچ نیست نفر هم کم است و برای کشیدن خط آهن در یک مملکتی شاید وجود بیست نفر متخصص لازم شود. از متخصصین که پائین تر یائیم بعقیده بنده متخصصین دیگری هم هست (به غیر از این معنائی که در این چندساله ما معتاد شده‌ایم) که باید استخدام کنیم. مثلاً کنترولر (یعنی سرکار) سرکار خودش متخصص است. آن سرکاری را که یک نفر متخصص آمریکائی یا آلمانی میتواند انجام بدهد و بلد است قطعاً سرکار ایرانی که ما داریم از ش ساخته نیست. سرکار ایرانی ما فقط یاد گرفته است سر ریسمان را بگیرد یا چوبی در دست بگیرد و بالا سر بیست نفر فعله که در راهها ملاحظه فرموده‌اید سنگ را می‌شکنند و خالک رویش میریزند بایستند و اطلاع دیگری ندارد ولی آن کنترولر یعنی سرکار در این قبیل تأسیسات در خارجه اهمیتش از آن متخصص اصلی (که در اوطاق دفترش می‌نشیند و نقشه می‌کشد و حسابهای هندسی را روی کاغذ می‌آورد و وضعیت ایجاد و تأسیس یک تونلی را معین می‌کند؟ یا ترتیب یک پلی را حساب میکند که چند خروار آهن لازم دارد و چطور باید زده شود؟ معلق باشد یا غیر معلق؟) کمتر نیست. و بنده مخصوصاً در ایران در آینه برای کارهای دیگر و برای مسائل فلاحتی و همین مسائلی که الان مطرح است وجود این قبیل اشخاص را خیلی نافع و مؤثر میدانم. برای اینکه عملیات ما زیر دست آنها خیلی زودتر چیز یاد میگیرند تا اشخاص دیگری که ایرانی فقط استفاده که از آنها میکنند این است که مترجم واقع میشوند و هیچ استفاده دیگری زیر دست آنها نمی‌کنند. آقای وزیر فوائد عامه مخصوصاً فرمودند این مباحثاتی که ما میکنیم کمتر مورد دارد یعنی زائد است و فرمودند این متخصص از آنجا تلگراف به میلیسپو کرده است و تقاضا کرده یازده نفر همراه او بیایند و اگر بیاید طهران و معطل بماند بعد آن چیز را که از آنجا پیشنهاد کرده است همین جا پیشنهاد بکند و مجلس هم رأی بدهد یک مدتی حقوقی گرفته است و در اینجا خودش را ول معطل کرده است. بنده بکلی مخالف همین فرمایش ایشان هستم برای اینکه در خود آن قانون بیستم ماه در ماده دوم یا سوم ما قید کردیم که یک نفر متخصص آلمانی برای آهن ذوب کنی و یک نفر متخصص

هم برای راه‌آهن اجیر و استخدام کنیم. آن متخصصی که در نیویورک نشسته است از روی چه مدارک و معلوماتی معین کرده است که سن باید با یازده نفر مهندس بیاییم؟ و اگر با یازده نفر مهندس نیامدم هیچ از من متوقع نباشید که کار بکنم و کار من بیهوده خواهد بود؟! بنده بکلی مخالف این منطق هستم. متخصص تشریف بیاورند اینجا سوار اتومبیل دوج که همه دارند بشوند و با او حرکت کنند دو روزه بروند به تبریز. بروندزداب. اکثر نقاط مملکت ایران امروز اتومبیل می‌رود. شش ماه در ایران مسافرت بنمایند. یک متخصصی اگر یک اطلاعاتی از وضعیت جغرافیائی یک مملکتی نداشته باشد چطور می‌تواند یک همچو اظهاری در آنجا بکند و ما هم آن اظهار را مدرک و سند خودمان قرار بدهیم و بگوئیم چون متخصص از آنجا تلگراف کرده که من باید با یک تندلویس و یازده نفر بیایم و اگر یازده نفر نه نفر بشود کارش بکلی لنگ خواهد ماند؟! این یک منطقی است که ما را بعد در استخدام متخصصین فنی دچار مشکلات خواهد کرد. مثلاً فردا متخصص پست و تلگراف بنژیکمی که می‌آید او هم بگوید اگر من باشم نفر نیایم وجود مفید نخواهد بود!! چه فرق می‌کند؟ او هم مملکت ما را نمی‌شناسد اگر او سی‌اید برای اتود و برای اطلاعات مقدماتی از وضعیت جغرافیائی مملکت ما آن یازده نفر مهندس وجودشان چه مؤثر خواهد بود؟ بالاخره متخصصین همه از مدرسه بیرون می‌آیند و دبیرمشان همه مثل هم است آن متخصص که در سال اول از مدرسه بیرون می‌آید در آمریکا هزار دلار حقوق می‌گیرد با یک متخصص دیگر که پنج یا شش هزار دلار حقوق می‌گیرد هر دو از یک مدرسه بیرون آمده‌اند و از نقطه نظر تنوری هر دو یک تحصیلات کرده‌اند مدارس مهندسی هم یکی است و همه باید از همان طریق بیرون بیایند ولی تجارب فرق می‌کند. تجارب یک متخصص که در یک ممالکی راه‌آهن کشیده است و کارهایی کرده است البته ذی قیمت است و این پولی که ما می‌دهیم در واقع برای تجربه او است و این یازده نفر قطعاً تجربه او را ندارند یا خیلی کمتر دارند این است که بنده فقط بتجربه آن یک نفر مهندس قائل هستم که تجربه او خیلی ذی قیمت است و الا بعضی مهندسی هستند که الان در خود وزارت فوائد عامه مشغول کار هستند و یکی از آنها ترنس‌سکی است که اجیر شده و تابعیت ایران را هم قبول کرده و گویا حالا در خرم‌آباد و آن حدود است. این شخص مهندس است که بیست و پنج فرسخ راه‌آهن در یک نقاط خیلی مشکل کوهستانی کشیده است که تونل دارد پل روی رودخانه خیلی وسیع دارد که از آن رودخانه وسیعتر در ایران شاید خیلی کم باشد و این راه‌آهن الان دائر است و مدتی هم کار کرده است مهندسین خیلی مطلع دیگر هم آمده‌اند و وضعیت هندسی این راه‌آهن را تصدیق کرده‌اند و بهترین دلیل برای اینکه این راه‌آهن خوبی است این است که در ظرف این ده دوازده سال بدون اینکه ما خرج قابلی بکنیم این راه‌آهن باز هم کار کرده است و سالی سیصد چهارصد هزار تومان هم ما از او بهره‌مند شده‌ایم به این دلایلی که بنده عرض کردم با استخدام این یازده نفر متخصص الان مخالفم و

گردش کند به پوشهر و آذربایجان و خراسان برود و وضعیت آنجاها و آب و هوای آنجاها را ملاحظه کند بعد اسباب کارش را فراهم کند بنده تصور می‌کنم متخصص آمریکائی‌اولا برای سیاحت استخدام نمی‌شود در اینجا تصریح شده برای نقشه‌کشی، نقشه‌کشی هم یک کار بعید است\* و یک نفر آمریکائی آنهم متخصص که در فن نقشه‌کشی راه‌آهن متخصص است و چندجا هم راه‌آهن ساخته است این اندازه جغرافی می‌داند که ایران کجا است چند فرسخ است؟ و طول و عرضش چقدر است و غیر از این چیز دیگر نباید بفهمد که می‌فرماید قبلاً سیاحت کند و به بیند کجا هوایش سرد است یا کجا منطقه حاره است بالاخره او هم این اطلاعات جغرافیائی را دارد و در اینجا هم کسب اطلاع اضافه می‌کند و شروع بکار می‌کند یک همچو متخصص که ما سالی بیست هزار تومان باو حقوق می‌دهیم نباید فقط استفاده سیاحتی از او بکنیم بنده نمی‌دانم این چه اصراری است حضرت والا در این مقصود دارند؟ زیرا بالاخره او در آنجا گفته سن مملکت شما را می‌دانم چند کیلومتر است و اطلاعاتشان هم اگر اندازه ما زیاده‌تر نباشد کمتر از ما نیست و می‌داند که از چه خطی باید شروع کند و لدی‌الورد هم باید شروع بنقشه‌کشی نماید و گفته است من یک نفر تنها نمیتوانم تمام خطوط این مملکت را نقشه‌کشی نمایم و بالاخره محتاجم باینکه یک عده معان داشته باشم، معاونینی هم که او اسم برده است در تلگراف خودش و دکتر یلسپو بوزارت فوائد عامه اطلاع داده است یک نفر تندلویس بوده است یعنی مختصرنویس آنرا هم در کمیسیون توضیح دادند که اگر او بخواند تمام مطالعاتی که می‌کند شخصاً خودش بنویسد ممکن است شش ساعت وقت صرف نماید در صورتیکه در نیم ساعت وقت میتواند مطالب خودش را بگوید و با علائم و اصطلاحاتی که در تندلویسی است آنشخص بنویسد. چون آمریکائی یک ضرب‌المثلی دارد که وقت پول است می‌خواهد وقت را بسیاحت حتی بمسائلی که مطالعه می‌کند زیاد صرف نکند و بالاخره عقیده ما را که می‌گوئیم حالا باشد و بتدریج کار کنیم و پنج شش ماه بیاید اینجا بگردد آنها این عقیده را ندارند و معتقدند که حتی باید در حرف زدن و نوشتن هم صرفه‌جویی کرد برای اینکه سالی بیست هزار تومان پول می‌گیرد. بالاخره این مهندسین مطالعاتی را که می‌نمایند در یک صورت جامعی تهیه می‌نمایند و می‌فرستند پیش محاسب آن محاسب هم سقیاس و وسعت اراضی و طول راه و تمام اینها را در نظر می‌گیرد و تطبیق می‌کند با مخارجی که دارد و آنوقت یک نفر رئیس هم برای تعیین نقاط در مرکز معین می‌کند که نقشه‌کش‌هایی که قسمت کارهای خودشان را خاتمه می‌دهند پیش آن رئیس تعیین نقاط می‌فرستند آنوقت سه دسته هم نقشه‌کش معین می‌کند که هر دسته عبارت است از یک نفر رابط و یک نفر که تعیین سطح می‌کند با یک نفر نقشه‌کش. این سه دسته مهندس باید اطلاعاتشان را جمع‌آوری نمایند بدهند بر رئیس مرکزی و خود این شخص و قتش را صرف مسائل عالی و دستوراتیکه باید صادر کند می‌نماید. بلی اینطور که فرمودند ممکن است ما سالی بیست هزار تومان باو بدهیم یک هفت هشت ده سال شروع کند بنقشه‌کشی و تنها خودش راه

یافتد در بیابان و بفرمایش شما دوسه نفر ایرانی هم همراهش بفرستیم و روی مثلاً نصف کیلومتر شروع کند و نقشه بکشد!! و آنوقت با این ترتیب برای عمر بنده و حضرت والا راه‌آهن وصلت نمی‌دهد. ما باید هر قدر که ممکن است زودتر شروع بکار و عمل کنیم. بنابراین بنده برعکس آنچه‌ایم اخیری که فرمودند عقیده دارم مگر اینکه عقیده‌شان این باشد که قدری طول بدهیم که قدری پول بیشتر جمع شود والا اگر نظرشان این باشد که باید سرعت انجام بدهیم گمان می‌کنم خودشان تصدیق بفرمایند که باید وسایل کار را فراهم کنیم وسایل کار هم در قدم اول متخصصین و مهندسین فن است برای نقشه‌کشی و این را هم بایشان می‌خواهیم قبلاً عرض کنم که وقتی شروع بکار میشود ما خیلی متخصص لازم داریم. دوازده نفر هم کافی نخواهد بود. متخصص ایرانی هم که نداریم. بنده هم موافق هستم با ایشان که داشته باشیم ولی نداریم و باید از خارج استخدام بکنیم و زودتر شروع بکار کنیم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیش‌نهاد آقای فیروزآبادی.

(بشرح آتی قرائت شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی. پیشنهاد می‌کنم که فعلاً چهار نفر مهندس و یک نفر تندلویس استخدام شود.

رئیس — آقای فیروزآبادی. (اجازه).

فیروزآبادی — بنده اولاً نظرباین کم پولی که در مملکت هست و این پولی که از مردم با یک زحمتی گرفته میشود و ثانیاً برای اینکه خط‌آهن کشیده شود موافق نیستیم که خرج تند و بدون فکر بشود بلکه عقیده دارم که باتأانی بشود بنده اول نظرم این بود که از خود ایرانیها استخدام شود ولی حالا که نمی‌شود پیشنهاد کردم چهار نفر مهندس و یک نفر تندلویس استخدام شود و بیایند بعد اگر کسر داشتیم و در خود ایران هم ممکن نبود بقیه را استخدام بکنند چون ایرانیها حق تقدم دارند به این نظراین پیشنهاد را کردم و امیدوارم که قابل توجه شود.

رئیس — آقای بیات. (اجازه).

مرتضی قلیخان بیات — اولاً در قسمت متخصص ایرانی که خود آقا هم متوجه هستند و در لایحه هم بایرانیها حق تقدم داده شده است که در صورتیکه استخدام ایرانی باشد که از عهده این خدمت برآید مقدم باشد این قسمت در کمیسیون هم کاملاً طرف توجه واقع شد و بالاخره با اینکه تصور میشد اشخاصی که مهندس هستند امروز در ایران همه مشغول کارند و باز هم وزارت فوائد عامه برای راهها محتاج بمهندس است که هر چه مهندس ایرانی باشد میتواند استخدام و مشغول خدمت کند نگرانی نیست که مهندسین ایرانی بیکار بمانند و آمریکائی از خارج بیآوریم مع هذا کمیسیون احتیاط کرد و این تفسیر را اضافه کرد که اگر ایرانی وجود داشته باشد تقدم داشته باشد. اما در قسمت دوازده نفر همانطور که آقای مخبر اظهار کردند در نقشه‌کشی اگر سه نفر کار کنند سه سال ممکن است طول بکشد و با آن انتظاریکه مردم در کشیدن راه‌آهن دارند و می‌خواهند از آن استفاده کنند البته هر چه سرعت بشود بنظر

بنده از نقطه نظر عمل و از نقطه نظر مردم بهتر است و این حداقلی است که این متخصص فرض کرده که با سه دسته نقشه کش میتواند کار کند و شاید اگر یک قدری میخواستند سرعت کنند ممکن بود پنج دسته شش دسته باشند ولی از همین نقطه نظر صرفه جوئی و از نقطه نظر اینکه اول کار است سه دسته نقشه کش پیشنهاد شده است این سه دسته نقشه کش هم به عتیده بنده اگر بخواهیم سرعت نمائیم خیلی کم است و مسلم است که با چهار نفر هیچ به نتیجه نخواهیم رسید.

فیروزآبادی — پس میگیرم.

رئیس — پیشنهاد آقای احتشام زاده.

(به شرح آتی قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی.

بنده پیشنهاد میکنم بجای یازده نفر مهندس امریکائی پنج نفر نوشته شود و بقیه از ایرانیهای مطلع استخدام شود.

رئیس — آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده — در پیشنهادیکه دولت داده است یک نفر منشی یک نفر مهندس محاسب یک نفر مهندس برای تعیین نقاط و سه نفر رابط و سه نفر برای تعیین سطح و سه نفر نقشه کش ذکر شده بنده خیال میکنم این سه دسته را که در نظر گرفته اند البته برای هر یک از دستجات یک نفر مهندس مطلع خواهد بود و دو نفر عضو کمک کننده. از طرفی هم متأسفانه وضعیت امریکائیها طوریست که استخدامشان از نقطه نظر مالی یک قدری برخلاف صرفه است. برای اینکه اشخاصی را که ما میتوانیم از یک ممالک دیگری با یک مبالغ خیلیی استخدام کنیم از نقطه نظر اینکه از امریکا باید بیاوریم مجبور هستیم با اجرتها و حقوق گزافی استخدام کنیم و بنده هم کاسه علاقه دارم وجوه قند و شکر که برای خط آهن تخصیص داده شده در خرجش صرفه جوئی بشود. به این جهت عقیده دارم بجای یازده نفر پنج نفر با یک نفر منشی استخدام شود.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده گمان میکنم اگر آقایان یک قدری تصور نمایند کم کم پیشنهاد پنج نفر و نیم و شش نفر و نیم بشود. یک شعری است که آنرا حالا نمیگویم. ما ناچاریم والا استخدام خارجی همان است که آقای مشیرالدوله فرمودند. این یک سمی است که ما ناچاریم بواسطه اینکه متخصص نداریم بخوریم تا اینکه ایرانیها دارای علم و کمال بشوند. امروز از ناچاری است متخصص میگوید اگر مرا میخواهید کار کنم باید اینطور بکنید. معلم میگوید باید ترتیب درس گفتن من این شکل باشد شما میگویند خیر نباید به این ترتیب باشد! پس شما معلم هستید!! این متخصص میگوید من این دوازده نفر را لازم دارم. خیلی هم با این مسائل را در کمیسیون بودجه زیر و زیر کردیم و توضیح خواستیم بالاخره گفتند متخصص میگوید. بپی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید. میگوید من محتاج به این دوازده نفر هستم!! بنابراین گمان نمیکنم این پیشنهاد مورد داشته باشد.

رئیس — آقای مخبر؟

مخبر — بسته به نظر مجلس است.

رئیس — رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فهیمی.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل نوشته شود:

ماده اول — مجلس شورای ملی به وزارت فوائد عامه اجازه میدهد که با موافقت مهندس متخصص امریکائی راه آهن یک نفر منشی تند نویس و یازده نفر مهندس برای نقشه برداری مقدماتی راه آهن ایران برای مدت دو سال استخدام نماید به این شرط که هر عده از مهندسين مزبور بین ایرانیها یافت نشود از امریکا استخدام شوند.

رئیس — این عین ماده اول با تبصره هست با تغییر الفاظ. فقط کلمه امریکائی را انداخته اید.

فهیمی — مقصود بنده بیشتر یک اصلاح عبارتی است.

(صدای زنگ رئیس)

رئیس — اصلاح عبارتی را پیشنهاد کنید. این پیشنهاد شما عین ماده اول است و تبصره با تغییر الفاظ.

فهیمی — خیر تفاوت دارد اجازه میفرمائید؟

رئیس — بفرمائید.

فهیمی — در ماده نوشته شده است به فوائد عامه اجازه میدهند که برحسب توصیه متخصص فنی امریکائی یک نفر منشی تند نویس و یازده نفر مهندس برای معاونت خود استخدام نماید (این معاونت خود) در این عبارت به معاونت وزارت فوائد عامه تعبیر میشود. نه به معاونت متخصص عبارت آن را بخواهید این است: مجلس شورای ملی به وزارت فوائد عامه اجازه میدهد که برحسب توصیه متخصص فنی امریکائی ساختمان راه آهن یک نفر منشی تند نویس و یازده مهندس امریکائی بجهت نقشه برداری مقدماتی راه آهن ایران برای مدت دو سال به عنوان معاونت خود... (خود) کی است؟

آقاسید میرزا علی عمادی — معلوم است متخصص است.

رئیس — ممکن است (خود) تبدیل به (او) شود.

فهیمی — دیگر اینکه در تبصره نوشته اند که متخصصین ایرانی حق تقدم دارند ولی چون در متن ماده دوازده نفر امریکائی را تصریح کرده است دیگر این مقصود را نمیرساند مگر اینکه گفته میشد (امریکائی و ایرانی) آنوقت ایرانی مقدم بود. یا عده بیش از دوازده نفر بود باز ایرانی مقدم بود ولی با این ترتیب که نوشته اند تبصره با اصل ماده موافقت نمیکند مگر اینکه در ماده قید کنند که دوازده نفر مستخدم ایرانی استخدام خواهند کرد. اگر نبود امریکائی استخدام کنند.

مخبر — آن قسمت اصلاح عبارتی تبدیل (خود) به (او) صحیح است و غفلت شده است ولی قسمت اخیر در پیشنهادشان برعکس نوشته شده ولی توضیحشان این است که ما به وزارت

ضمناً یک محکمه هم باید تشکیل داد. چون همه ایرانیها خودشان را متخصص خواهند دانست و هر کس یک فصلی از هندسه خوانده است خودش را مهندس میدانند بنده عقیده ام این است که از برای این کار بخصوص یعنی برای نقشه کشی راه آهن تقریباً ما متخصص ایرانی نداریم مگر یک نفر که پرویز میرزا است و یک نفر دیگر هم داریم که در رستف است و اطلاع هم داده است که من هم هستم، چون متصدی راه آهن است و شاید پدر بخورد و یک نفر دیگر هم داریم که همان ترنسکی است که الان دارد در راه خرم آباد کار میکند و بنده عقیده ام این است که علاوه بر آن عده که او تقاضا کرده است استخدام شوند ما به بیش از این سه نفر احتیاج داریم. اشکالی که از برای وزارت فوائد عامه پیدا میشود این است که فردا بنده نمیدانم چطور این قبیل اشخاص یا وساطتشان را متقاعد کنم و خیلی اسباب زحمت میشود، بنده غیر از این سه نفری که عرض کردم دیگری را سراغ ندارم، و این سه نفر هم یکیشان مشغول کار است یک نفرشان را هم میخواهیم استخدام کنیم برای کار، و یکیشان هم در رستف است و یک پیشنهادی داده است و بنده از احوال او اطلاعی ندارم، شاید پدر بخورد، به هر صورت از برای کارهای نمره دوم و سوم مهندس ایرانی داریم و هرگز هم امریکائی استخدام نمیکنیم، یک نکته دیگر را هم میخواستم عرض کنم که در مذاکرات اول شاهزاده بود که میفرمودند باید متخصص بیاید آنوقت به بیند چه چیز میخواهد، این آدمی که معین شده است و میباید قریب شصت سالش است و چهل سال در امریکای شمالی و جنوبی و گویا جاهای دیگر هم راه آهن ساخته است، عامل این کار بوده، متخصص این کار بوده، و وقتی در پاریس یا هر جای دیگر که باشد و حساب خودش را بکند و فکر کند و بگوید من از برای همچو خدمتی که شما از من میخواهید این اسباب کار را لازم دارم دیگر بنده تصور نمیکنم که محتاج باشد بیاید اینجا و عرض طول طهران را بفهمد خودش آنجا میفهمد چه میگوید.

رئیس — قسمت اول پیشنهاد ایشان عین تبصره است، رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد ایشان در قسمت اضافی، آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای محمدولی میرزا.

(به شرح ذیل قرائت شد)

در ماده اول پیشنهاد میکنم متخصص فنی امریکائی بایک نفر تند نویس باشد.

رئیس — با چند تا؟ عدد اقتاده است به هر حال توضیح بدهید.

محمدولی میرزا — بنده ناچارم اینجا عرض کنم که آقای مخبر یک قدری از حسن فصاحتشان استفاده میکنند و آنطوریکه باید در واقع جواب نمیدهند، یک بیاناتی بطور کلی میفرمایند که البته با فصاحت و بلاغتی که دارند مؤثر هم واقع میشود، بنده عرض نکردم که متخصص امریکائی بیاید در ایران هواخوری کند و برود

فوائد عامه اجازه بدهیم دوازده نفر ایرانی استخدام کند و آنوقت معکوس کنیم که اگر ایرانی پیدا نشد از امریکا استخدام کنند در صورتیکه نظر این نیست. نظر این است که از امریکا استخدام شود ولی کمیسیون این تبصره را اضافه کرد که اگر دولت درین ایرانیها این متخصصین فنی را که او خواسته است پیدا کرد به ایرانیها حق تقدم بدهد.

رئیس — قسمت اصلاحی آخر ماده یعنی تبدیل کلمه (خود) به (او) را آقای مخبر قبول کردند راجع به باقی قسمت های پیشنهاد رأی گرفته میشود، آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای نجوسی، پیشنهاد اصلاحی است.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول عوض کلمه (توصیه) نوشته شود (تقاضا).

مخبر — قبول میکنم.

رئیس — تقاضا (یا) هم میخواهد، (تقاضای).

مخبر — بلی.

رئیس — پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب هم اصلاح عبارتیست. (این طور خوانده شد)

مقام محترم ریاست، پیشنهاد میکنم در ماده اول عوض کلمه (ساختمان) (ساختن) نوشته شود.

مخبر — قبول میکنم.

رئیس — پیشنهاد آقای دادگر راجع به تبصره است.

(به این ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده اول اینطور نوشته شود:

تبصره — متخصصین ایرانی حق تقدم در استخدام خواهند داشت و استخدام مأمورین امریکائی هنگامی مجاز خواهد بود که نبودن اشخاص مناسب بین ایرانیها محقق باشد.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — بنده میخواستم جنبه تعارفی را از این حق تقدم بیرون بیاورم. آقای وزیر فوائد عامه فرمودند متخصص عازم نیست و در پاریس منتظر است که خبر استخدام دیگران را بفهمد، و آقای مخبر کراراً فرمودند امریکائیها بوقت قیمت میگذارند، یک ساعت هم تأخیر وقت نمیکنند الان هم مترصد است که تکلیف استخدام این دوازده نفر را بفهمد و آنها را همراه بیاورد در اینصورت حق تقدم کجا میماند؟ وقتیکه ایشان مأمورند متخصص را از خارج بیاورند دیگر چطور از بین ایرانیها بیاورند، در اینصورت بنده معتقدم بایاید تبصره را حذف کرد یا بهش روح داد. این است که بنده پیشنهاد کردم (وقتی امریکائیها استخدام شوند که در بین ایرانیها پیدا نشود) و بالاخره بنده خواستم این جنبه تعارفی از این تبصره بیرون برود.

وزیر فوائد عامه — در این تغییر تبصره که میفرمایند بنده اشکالی نمی بینم ولی یک اشکال خواهد داشت و آن این است که

گرائند سینمای ما یا از این قبیل چیزها را که در مملکت ما هست و جاهای دیگر نیست تماشا کنند!! و عرض هم نکردم که متخصص هستم بلکه جنایه‌الی و اهل این مجلس و حتی آقای وزیر فواید عامه هم هیچکدام متخصص نیستیم ولی این قدر را اطلاع داریم که نقشه را در توی اطاق کار و در کابینه کار نمیکنند!! نقشه مستلزم این است که متخصص قبلاً سیاحت کرده باشد و به یک کارت جغرافیای ایرانی که در آمریکا چاپ شده و جلوی چشم خود گذاشته است نمیتواند سوانح طبیعی و راههایی که بین آذربایجان و طهران است مجسم کند مگر علم لدنی داشته باشد والا با آن پروگرامی که در مدارس آنجا تدریس میشود هر متخصص و هر مهندسی که بیاید اینجا اذعان میکند که باید سیاحت کند و باید ششماه سوانح طبیعی مملکت را به بیند و به رأی العین مشاهده کند تا بتواند آنها را در تحت ارقام هندسی بیاورد و معین کند و بالاخره بنده مقصودم این نبود که فلان متخصص بیاید اینجا و تفریح کند!! و پیشنهاد خود را هم مسترد میدارم.

رئیس — برای سد این راه هم باید در نظامنامه پیش بینی شود، ماده اول با اصلاحاتی که شده است قرائت میشود.

یاسائی — بنده تجزیه ماده و تبصره را پیشنهاد میکنم.

(ماده و تبصره مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول — مجلس شورای ملی به وزارت فواید عامه اجازه میدهد که برحسب تقاضای متخصص فنی امریکائی ساختن راه آهن یک نفر منشی تندنویس و یازده نفر مهندس امریکائی بجهت نقشه برداری مقدماتی راه آهن ایران برای مدت دو سال به عنوان معاونت او استخدام نماید.

تبصره — متخصصین ایرانی حق تقدم در استخدام خواهند داشت.

رئیس — رأی گرفته میشود به ماده اول بدون تبصره آقایانی موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. رأی گرفته میشود به تبصره آقایانیکه موافقت قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. رأی گرفته میشود بجموع ماده اول با تبصره آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) تصویب شد، ماده دوم قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم — جمع حقوق سالیانه مستخدمین مذکور بیش از پنجاه هزار تومان نخواهد بود.

رئیس — آقای یاسائی موافقت؟

یاسائی — بلی موافقم.

رئیس — آقای بیات. (اجازه)

بیات — موافقم.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب.

آقاسید یعقوب — موافقم.

رئیس — آقای شریعت زاده. (اجازه)

شریعت زاده — با اصل این ماده بنده موافقم ولی چون نقصی

اضافه شد که دولت هر یک از مراد آن قانون را هم میداند در کتکرات آنها ذکر کند و اگر ما بخواهیم آن مواد جزئی را در اینجا اضافه کنیم ممکن است چند جلسه وقت مجلس صرف این کار بشود که آیا یکماه مرخصی داشته باشد یا دو ماه؟ و بالاخره شرایط اصلی یعنی آن چهار رکنی را که جزء استخدام متخصصین خارجی است در این لایحه ذکر کرده ایم بقیه را هم موقوف کرده ایم به آن قانونی که از تصویب مجلس گذشته است.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده با اینکه موافق بودم و همه آقایان دیدند ولی بنده عقیده ام این است که در این دوره موفق شویم موادی را که مربوط به کتکرات امریکائیان است در تحت نظریات ویرم. ما این مواد لازمه را برسیل کلیت در کمیسیون گذرانیم و بینی و بین الله تعالی بدینجهت که ما نمیتوانیم این قبیل مواد را برسیل اجمال بگذاریم. آقایان فقط قوانین الهی است که دوام پیدا میکنند. لیکن قوانین بشری دوره بدوهر باید فرق بکنند. در دوره چهارم وقتی که لایحه کتکراتی امریکائیان آمد به مجلس همین آقای فیهمی که آمدند اینجا و مخالفت کردند بقدری سدا یح بیان کردند در استخدام امریکائیان که بنده کورکورانه رأی دادم. اما حالا که کم کم چشممان باز شده می بینیم ناچاریم این مواد را در نظر بگیریم بنده عرض میکنم ما نباید تمام حیثیات خودمان را بدست آنها بدهیم! بنده مخالفم!! این مواد و مخصوصاً ماده سوم را باید متی آقای مخبرقبول نمایند که برسیل کلیت ما ننگرانیم و باید دوبرتبه مواد را در تحت نظر بگیریم که یکقدری از این اختیارات اسباطوری کاسته شود. ما چنین اختیارات تازه به امریکائیانها نداده ایم!! آنها مستخدم ما هستند. نه اینکه بر ما حکومت کنند!! ما همچو اختیارات مطلقه و سلطنت کلی به آنها نداده ایم!! وزیر دیگر اختیاری ندارد. چرا؟ برای اینکه قانون اینطور کرده!! و حال آنکه ما گفتیم در تحت هدایت وزیر باشد دیک وزیر آقای فیهمی بودند یا نمیدانم کی که تسلیم آنها شدند و بالاخره کار بجائی رسیده است که وزراء بکلی دستشان بسته شده است و جرأت نمیکند دیگر کاری بکنند و باید منتظر باشند و به بینند که از مقام عالی مستشاری چه امری میشود!! بنده این عقیده را ندارم. آقا ملت ایران آزاد است قوانین هم آزاد است و باید بطرز آزادی قوانین اجراء شود (بعضی از نمایندگان — صحیح است). و بالاخره بنده با این ماده کاسلا مخالفم و بایستی این ماده برگردد بکمیسیون بچه مناسب است!! مجلس از ما نظرات از ما سلطنت برای آنها!! بنده بکلی مخالفم!! ما سلطنت را در تحت قانون میدهم اختیارات را در تحت قانون میدهم. ما اختیارات مطلقه به هیچکس نمیدهم فلان مفتش را میفرستد بیک محلی میرود اینجا توی سر این میزند توی سر آن میزند!! آقا اولاد ایران بدست ما پورده شده است!! ما این اختیارات مطلقه را نمیتوانیم بیک پیشنهاد دولت بدهیم بامریکائیان!! بهیچوجه اختیارات مطلقه نمیدهم. در دوره چهارم سی گفتند امریکائیانها که آمدند سیل لیره است که میاید به ایران!! برعکس ما دیدیم که سیل

لیره بود که برگشت!! حالا بنده اینها را کار ندارم و عرض میکنم که این مواد باید بیاید بکمیسیون و ماده بماده مطالعه شود. همین آقای مخبرالسلطنه پریروز فریاد میزد از دست اداره مالیه (خطاب به آقای وزیر فواید عامه) یادتان هست که بنده گفتیم شما از طرف ما وکیل هستید؟ خودش فریاد میزد از دست اداره مالیه بنده عرض میکنم که این مواد بایستی بیاید در کمیسیون. آقا ما چشممان ترسیده است. مسأله آدم مار گزیده است که از ریمان سیاه و سفید میترسد (خطاب به آقای شیروانی) آقا جان جناب عالی هم بترسید. باید تمام اینها ماده بماده بیاید بکمیسیون و تحت شور و مطالعه واقع شود که اینقدر شکم مردم زیر لگد اینها نیفتد.

وزیر مالیه — در اینجا تصور میکنم یک خط میجی شد. کتکرات مستخدمین جدید مطرح بود و داخل شدند در یک سوادی که هیچ موضوع بحث نبود! بنده که یکی از وزراء مالیه شما هستم صریحاً عرض میکنم که هیچوقت امریکائیان توقع ندارند که اختیار مطلقه داشته باشند. این اشتباه است! زیرا همانطور که قانون اجازه داده است اینجا کاسلا در تحت هدایت وزیر و مسؤول وزیر هستند و بجهت هم توهین به وزراء نمیشود کرد که تسلیم آنها شده باشند یا تصور کرد که آنها یک اقداماتی برخلاف قانون و قاعده کرده باشند و اگر یکی از آقایان وزراء هم اینجا یک حرفی زده اند بنده تصور میکنم آن حرف باید میان خودمان حل شود...

آقاسید یعقوب — شما ترس دارید بنده ندارم.

وزیر مالیه — عرض میکنم که در مسأله مالیه همانطور که در تمام ادارات دنیا و در همه جا هست یک چیزهای کوچکی در اداره واقع میشود که بایستی آنها را حل کرد و اصلاح کرد. البته اداره مالیه امروزه برای اینکه (چنانچه ملاحظه میفرمائید) خیلی مبسوط است و شعب مختلف هم در مرکز و هم در ولایات دارد البته یک نارضائیه و یک چیزهایی اتفاق میافتد که آنها را باید در تحت نظر گرفت و اصلاح کرد. بنده عرض میکنم از وقتی که بنده داخل در وزارت مالیه شده ام تا حالا ندیده ام که یک مسأله از طرف وزیر یا مستشاران امریکائی مذاکره شود و آنها تصدیق و تمکین نکنند. اینها برای استخدام آمده اند نه برای اینکه اختیارات مطلقه و حکومتی داشته باشند. البته یک برنیاتی در کار هست که باید اصلاح شود که با کمال خوبی از وجود آنها برای خدمت بمملکت استفاده بشود. این است عقیده بنده حالا اگر اجازه میفرمائید این لوائح را تقدیم کنم؟

رئیس — حالا تأمل فرمائید بعد عرض میکنم.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

وزیر فواید عامه — بنده خودم راسخاج می بینم که یک ترضیحی بدهم در چند روز پیشی راست است که بنده اینجا یک عرایضی کردم ولی گمان میکنم که آن عرایض بنده عبارتتش شاید بطور کنایه بوده است ولی حالا تصریح میکنم. بنده اولاً جواب آن مسأله که گویا راجع بگاوسی بود علیحده دادم و بعد هم یک عرایضی عرض کردم و مربوط بهم نبوده است ولی چون پشت سرهم واقع شد آنرا مربوط به مالیه کردند ولی مطلب من در این بود که

اختیارات ادارات و وزارتخانه‌ها کم است. یک اختیاراتی میخواهد که انسان از عهده مسؤولیت برآید. مثلاً آن روز اینجا مذاکره شد که گاو سیمیرد و یک نواقصی در کنار هست و بقدر کفایت سرم حاضر نمیکند. خوب ما چه کنیم؟ به اندازه که مالیه در قدرت خودش میدانسته است و اعتبار داشته است داده و آن محل را صرف کرده‌اند و حالا دیگر محلی نیست. بنده قصدم این بود که لازم میدانستم یک اختیاراتی داده بشود یا به اداره مالیه یا به یک نفر از وزراء یا به هر کس که مصلحت میدانید که در مواردی که اسور فوتی و فوری واقع میشود که مجال تدارک پیشنهاد و تنظیم لایحه و بردن اینجا و آنجا نیست و بالاخره تا به مجلس برسد و مجلس هم ملاحظاتی را بکند و تصویب بکند گاوها همه مرده‌اند. یا فرق نمیکند اسور دیگری که واقع میشود یک اختیاری در یک جائی و یک مرکزی باشد که بتواند در این قبیل موارد یک همچو خرجی بکند. بعد هم بیاورند و از تصویب مجلس بگذرانند. قصد بنده این بوده است حالا اگر آن روز درست واضح نشده است لازم بود که این توضیحات را عرض کنم.

رئیس — رأی میگیریم...

آقای سعید یعقوب — بنده پیشنهادی عرض کردم.

(پیشنهاد آقای آقا سعید یعقوب به شرح آتی قرائت شد)

مقام محترم ریاست. پیشنهاد میکنم این ماده برگردد به کمیسیون و تجدیدنظر شود.

آقای سعید یعقوب — بنده قطع نظر از مطالبی که عرض کردم آن روز آقای سعید هم تشریف داشتند و متأسفانه آقای رئیس کمیسیون تشریف نداشتند و این سؤال در آنجا مذاکره شد که آیا تمام آن مواد را برداریم بنویسیم یا بعضی سراد را و بنده به آقای معاون وزارت فوائد عامه اعتراض کردم که شما در وزارت فوائد عامه این همه جمعیت دارید لااقل برای تنظیم چهار ماده که محتاج الیه است آدم ندارید؟! خودشان هم گیر کردند و بعد گفتند ما در آنجا یک کمیته مجازات (خنده نمایندگان) یک کمیته استیازاتی داریم که میتوانیم بعد آن سراد محتاج الیه را پیشنهاد نماییم خلاصه گیر کردند و چون بعضی از اعضاء کمیسیون جدیت داشتند که این لایحه رودتر بگذرد این بود که آن موادی را که در سابق بطور اجمال و ایتام گذشته بود در این لایحه پیش‌بینی کردند و بمجلس آمد. و بنده می‌بینم که آقایان یک توجهی دارند که در تحت این مواد یک اختیارات جدید دیگری به آنها نداده باشیم. این است که بنده پیشنهاد کردم که برگردد به کمیسیون و در آنجا تجدیدنظر شود که حدود اینها و اختیاراتشان در پیشنهاد ثانی تکمیل شود این بود عرایض بنده.

رئیس — آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی — بنده در آنروز که این ماده بخصوص گذشت نبودم ولی در این موضوع در کمیسیون چند جلسه با حضور نماینده وزارت فوائد عامه و مالیه مذاکره شد و این اشکالاتی که از طرف بعضی از آقایان نمایندگان شد مخصوصاً به قول آقای آقا سعید یعقوب در یکی یکی از این مواد مخالفتها شد و حلاجی کامل بعمل آمد و

هستم که لواطی که جنبه مالی دارد و مخصوصاً از کمیسیون بودجه تقدیم میشود بهتر است این که مأموریت به هر دو وزارتخانه داده شود.

سخنبر — بنده موافقت می‌کنم با این پیشنهاد.

رئیس — آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی — آقای سخنبر پیشنهاد را قبول کردند ولی بنده از این جهت مخالفم که ما از نقطه نظر نظارت نظر مالیه را در اینجا دخالت بدهیم. بنده عرض میکنم ناظر قانون غیر از مجری قانون است در ماده قبل که گذشت ما قید کردیم که مسئول وزارت فوائد عامه باشند. در لایحه دولت این عبارت نبود ما گفتیم چون در آن قانون اردیبهشت قید شده است که در تحت تعلیمات رئیس مالیه باشند و با ماده اول این قانون تناقض داشت این بود که این عبارت را رها کردیم برای اینکه از تحت تعلیمات رئیس مالیه خارج شود و مستقیماً مسئول وزارت فوائد عامه باشند و در اینجا سرردی ندارد که مالیه نظر داشته باشد مگر در جنبه مالیش که آن هم لزومی ندارد زیرا مالیه در کلیه مالی نظارت دارد تا چه رسد به ساسانی که جنبه اقتصادی هم دارد.

سخنبر — بنده تصور میکنم که نظر به سابقه که این قضیه دارد و در قانونی هم که سه روز پیش گذشت این جمله یعنی «مالیه هم در حدود وظایف خود» در آنجا ذکر شد و این جمله فقط مربوط به قسمت مالی است و این مسئله معلوم است چون مالیه غیر از نظارت در قسمت مالی وظیفه دیگری ندارد زیرا پیرل میدهد و وزارت فوائد عامه هم در قسمت فنی مأمور اجرای این قانون است و بنده هم از این نقطه نظر این پیشنهاد را قبول کردم.

رئیس — پیشنهاد آقای ضیاء قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

مقام متبع ریاست مجلس شورای ملی. پیشنهاد میشود که به ماده چهارم خبر کمیسیون رأی گرفته شود.

سخنبر — پیشنهاد آقای شریعت زاده حق تقدم دارد.

شریعت زاده — سوء تعبیری در پیشنهاد بنده شده است. اجازه می‌فرمائید.

رئیس — چطور؟ سوء تعبیری که کرده‌اند آقای فاطمی (اجازه) فاطمی — اگر آقایان اجازه میدهند امروز عصر کمیسیون بودجه است و قانون هم بحمدالله تمام شده این ماده چهار را اگر آقایان موافقت بفرمایند به کمیسیون ارجاع شود و ثانیاً اسعان نظر در آن شود که اگر اشکالی دارد رفع شود و فعلاً هم چون وقت گذشته است بنده گمان نمی‌کنم که این قانون تمام شود و رأی گرفته شود و چون عصر کمیسیون تشکیل میشود بهتر این است که در کمیسیون بیاید و در آنجا تجدید نظر شود و افکاری که آقایان دارند جمع شود و بالاخره برای پس فردا صبح راپرتش را به مجلس میدهند و تمام میشود.

رئیس — علی‌ای حال ماده چهارم خبر کمیسیون بودجه مجدداً پیشنهاد شده این قسمت آخر را هم که آقای سخنبر قبول کردند تقریباً بجای ماده میشود. بنابراین به پیشنهاد آقای ضیاء رأی

می‌گیریم اگر قابل توجه شد ماده برمیگردد به کمیسیون. رأی می‌گیریم به پیشنهاد آقای ضیاء آقایان موافقت قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس — قابل توجه شد، ماده برمیگردد به کمیسیون.

شریعت زاده — اجازه می‌فرمائید توضیح بدهم؟

رئیس — برخلاف واقع که عقیده شما را جلوه ندادند و راجع به پیشنهاد هم دوسریه نمی‌شود توضیح داد بعد هم ممکن است. خبر کمیسیون مبتکرات راجع به قابل توجه بودن طرح آقای حائری زاده و جمعی از آقایان...

بعضی از نمایندگان — ختم جلسه.

بیات — بنده عرض دارم.

رئیس — بفرمائید.

بیات — یک ساعت و نیم تقریباً از ظهر گذشته است، دو ساعت و نیم بعد از ظهر هم کمیسیون بودجه تشکیل میشود ما باید دوباره برگردیم به کمیسیون و با این حال موفق نمی‌شویم که در کمیسیون حاضر شویم و کارها عقب می‌افتد و البته کمیسیون‌ها هم باید کار بکنند که برای مجلس حاضر باشد. لهذا بنده معتقدم جلسه ختم شود.

رئیس — ختم جلسه مخالفتی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس — آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه — لایحه قانونی برای تأسیس بانک فلاحی و صناعتی و تجارتی ملی ایران. لایحه توسعه اقتصادیات. لایحه دائر به استدعای از مجلس که مقداری از اعتباراتی که در چهار ماه اول سال برای دولت مقرر فرموده بودند چون مخارجی شده بود از قبیل اعتبار دفع آفات حیوانی و مخارج صحیه و عدلیه که در ماههای بعد چون محلی نداشت این است که استدعای این اعتبار از مجلس شده. لایحه دیگر برای رفع مالیات چای تا ده سال که پنج سال بود ده سال قرار دادیم. یکی دیگر برای کسر مقداری از حقوق وزارت عدلیه است که در بودجه‌ای که تصویب شده بود تبصره‌ای بود که آن تبصره را منظور نداشته‌اند مجدداً تقدیم میشود. یکی در باب خروج مسکوکات طلا و نقره است که در اینجا یک قانونی وضع شد و دولت یک اصلاحی در آن لازم دید که تقدیم مجلس میشود و تقاضای فوریت هم شده است ولی چون امروز وقت نیست تمنا میشود برای جلسه آتی جزو دستور گذاشته شود و به فوریت تصویب شود. یکی قانونی است برای صادرات صابون و گچ که از بنادر فارس خارج میشود و مالیاتی که از بابت الغاء باج راهها برای آنها وضع شده است یک تحمیلی شده است که مانع از خروج آنها شده است. این هم پیشنهاد شده است که مالیاتش برداشته شود. و یکی اعتبار دوست و پنجاه هزار قران که بیست و پنج هزار تومان میشود واز صرفه‌جوییهای ادارات است برای حقوق منتظرین خدمت وزارتخانه‌ها.

رئیس — به کمیسیونهای مربوطه ارجاع میشود. آقای معتمدالتولیه سؤالی از آقای رئیس‌الوزراء داشتید؟

معتمدالتولیه — بلی.

رئیس — بفرمائید.

معمدالتولیه — خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است که بنده هیچ وقت اوقات مجلس را به عرایض خودم اشغال نکرده‌ام عرض بنده راجع به آقای مدرس است که گذشته از مزایای اخلاقی‌شان در این فاجعه که در واقع هم ثلمه‌ای به اسلام و هم ثلمه‌ای به امنیت مملکت وارد شده می‌خواستم ببینم آقایان وزراء و هیئت دولت چه کرده‌اند؟ و با علاقه‌ای که اعلیحضرت پهلوی در طلوع سلطنت خودشان به امنیت مملکت و مصونیت جان و مال مردم دارند الان بیست روز است که از این واقعه گذشته و معلوم نیست که نظمی مملکت در این باب چه اقدامی کرده است! اگر یک اطلاعاتی دارند بفرمایند که مردم دست از سر ما بردارند و ما هم نتیجه عملیات دولت را بدانیم والسلام.

رئیس — قبلاً مطلع کرده بودید آقای رئیس الوزراء را.

معمدالتولیه — خیر چیزی عرض نکرده بودم.

رئیس الوزراء — چون قبلاً بنده اطلاع نداشتم از این سؤال.

از دیروز تا بحال اطلاع ندارم که نتیجه چه شده است. تا دیروز را که اطلاع دارم متأسفانه با تمام اقداماتی که نظمی می‌کند هنوز چیزی که قابل عرض باشد در دست نیست ولی از دیروز تا بحال را اطلاع ندارم ممکن است تحقیق کنم و در جلسه آتی عرض کنم.

رئیس (خطاب به آقای دکتر سنگ) سؤالی از وزارت مالیه داشتید.

دکتر سنگ — بلی چون تشریف بردند بماند برای جلسه آتی.

رئیس — جلسه آتی روز سه‌شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز.

(مجلس یک ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی عبدالامیر — منشی امیر تیمور